



**نظریه تعاون در نظام جمهوری اسلامی ایران  
(تحلیل و بررسی جایگاه الگوی بین‌المللی تعاون  
در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران)**

**عنوان:** مجموعه سخنرانی‌های هم‌اندیشی (۱۷) - "نظریه تعاون در نظام جمهوری اسلامی ایران: تحلیل و بررسی جایگاه الگوی بین‌المللی تعاون در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران"

**گردآوری و تنظیم:** انجمن علمی تعاون ایران

**ویراستاران:** علی‌قلی حیدری - غلامحسین صالح‌نسب

**سال چاپ:** زمستان ۱۳۹۷

**شمارگان:** ۵۰۰ جلد

**شابک:** --۸۳۸۲-۹۶۴-۹۷۸

**ناشر:** نقش‌بیان - ۰۹۱۲۳۱۷۴۱۹۶

**ناظر فنی:** علیرضا بهنیا فرد

**طرح جلد:** عباس مرادی

**قیمت:** ۲۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب با همکاری معاونت امور تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر شده است.

## سخن آغازین

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تصویب ۱۱ بند سیاست‌های اختصاصی برای توسعه بخش تعاون کشور توسط مقام معظم رهبری، تحولی در ایجاد ساختارها و بسترهای قانونی مناسب برای توسعه بخش تعاون (شامل ایجاد بانک توسعه تعاون با سرمایه اولیه دولتی، فراهم نمودن امکان تاسیس شرکت‌های تعاونی سهامی عام، رفع موانع ورود تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بیمه و بانکداری و ...) فراهم نمود.

بر اساس بند اول سیاست‌های ابلاغی مقرر گردید سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی به ۲۵ درصد در پایان برنامه پنجم برسد. بدین معنی که بایستی میانگین رشد اقتصادی بخش تعاون از میانگین رشد اقتصادی سایر بخش‌ها در دوران بعد از ابلاغ سیاست‌ها بیشتر باشد. لیکن به دلایل متعدد از جمله رکود اقتصادی و تحریم‌های ظالمانه چند سال گذشته، لطمات جبران‌ناپذیری به ظرفیت‌های اقتصاد کلان وارد گردید. در این سال‌ها علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، ظرفیت دولت برای تخصیص منابع لازم و

توسعه سرمایه‌گذاری در بخش تعاون جهت دستیابی به اهداف سیاست‌های کلان و افزایش سرعت رشد اقتصاد تعاون، با چالش‌های اساسی روبرو گردید. در خصوص کنکاش برای دستیابی به رهیافت‌های جدید و تقویت عوامل درون‌زا در بخش تعاون برای افزایش رشد اقتصادی تعاونی‌ها پرسش‌های مهمی مطرح است؛ از جمله اینکه: آیا در طول ۱۰ سال گذشته، از ظرفیت‌های موجود در بخش به نحو مطلوب استفاده شده است؟ آیا توسعه عمودی تعاونی‌ها همانند توسعه افقی آن، اتفاق افتاده است (ایجاد تشکل‌های بالادستی تعاونی‌ها در قالب اتحادیه، اتاق و ... همزمان با رشد کمی تعاونی‌ها)؟ آیا تعامل مناسبی بین عناصر شبکه گسترده موجود تعاونی‌ها در سطح کشور برقرار شده است تا موجب تقویت یکدیگر شوند؟ آیا اقدام موثری جهت جلب اعتماد بیشتر جامعه نسبت به بخش تعاون صورت پذیرفته است؟ آیا از حمایت‌های قانونی و دیدگاه‌های مثبت مدیران ارشد نظام مقدس جمهوری اسلامی برای توسعه بخش به نحو کارآمدی استفاده شده است؟

سوالات مطرح شده و ده‌ها سوال دیگری که می‌تواند در این زمینه مطرح شود و اطلاعات واقعی موجود در زمینه اقتصاد کشور به طور عام و اقتصاد بخش تعاون به طور خاص، موید این موضوع است که بخش تعاون کشور برای توسعه و بالندگی، با موانع و چالش‌های درونی و بیرونی متعددی

مواجهه بوده و می‌باشد. اولین گام برای برطرف نمودن موانع و یا کاهش اثرات زیان‌بار چالش‌ها، شناخت دقیق موانع و چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای برطرف نمودن آن‌ها در حد امکان می‌باشد. در همین راستا معاونت امور تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و انجمن علمی تعاون ایران از اواخر سال ۱۳۹۴ تصمیم گرفتند در یک برنامه مشترک، جلسات سخنرانی‌های علمی با حضور اندیشمندان بخش تعاون و جلسات هم‌اندیشی با حضور صاحب‌نظران علمی و اجرایی را هر ساله به صورت ماهیانه و یا لااقل فصلی برگزار نمایند و سپس محتوای کلی نشست‌ها را پس از پیاده‌سازی نوارهای صوتی و ویرایش علمی و ادبی، در قالب کتابچه منتشر نموده و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند.

هفدهمین جلسه هم‌اندیشی، در تاریخ ۹۷/۱۱/۱۷ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، به "نظریه تعاون در نظام جمهوری اسلامی ایران" اختصاص یافت. این نشست از ساعت ۸ لغایت ۱۲ با حضور حدود ۵۰ تن از پیشکسوتان، بزرگان و صاحب‌نظران بخش تعاون و کارشناسان ستادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و چند صد تن از مدیران و کارشناسان استانی (به صورت وینار) برگزار شد. این ویدیو کنفرانس که در ادارات کل ۳۱ استان کشور به صورت ارتباط زنده پخش

می‌شد، در سالن جلسات طبقه سوم ساختمان آزادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، برگزار گردید.

ابتدای جلسه، جناب آقای دکتر مسلم خانی، مدیرکل محترم دفتر ترویج، آموزش و تحقیقات تعاونی‌ها، ضمن خوشامدگویی به تمامی حضار و اعلام محورهای نشست در قالب پنج بخش اظهار داشتند که بخش اول به بررسی جایگاه تعاون، الگوی تعاون و نظام تعاون در کشورهای گوناگون دنیا، سهم این بخش در اقتصاد، شکل و مدل اداره آن و اقدامات صورت گرفته برای پایایی و مانایی کسب و کارهای تعاونی در کشورهای منتخب اختصاص دارد. در بخش دوم ضمن بررسی نقش و جایگاه نظام تعاون و کسب و کارهای تعاونی در توسعه اقتصادی ایران امروز، به این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه می‌شود از مدل تعاون و الگوی تعاون برای شکوفاسازی اقتصاد، برای مدیریت سرمایه‌های خرد و برای تجمیع امکانات اندک بهره‌گرفت و موجبات بالندگی اقتصاد و عبور موفق از شرایط رکودی و تورمی ناشی از تحریم‌ها و سایر مسائل مبتلابه کشور را فراهم آورد. بخش بعدی به تحلیل و بررسی جایگاه تعاون و الگوی بین‌المللی تعاون در کمک به مسائل اجتماعی کشور اختصاص دارد. علت انتخاب این بخش آن است که ما اکنون در کشور چالش‌های اجتماعی متنوع و متکثری داریم که در بسیاری موارد در حال تبدیل شدن به بحران هم هست. در چنین شرایطی چگونه می‌توانیم از نظام تعاون و مدل تعاون برای غلبه بر این چالش‌ها استفاده کنیم. در بخش چهارم نیز با جایگاه تعاون در اسلام آشنا خواهیم شد. حجت‌الاسلام دکتر یوسفی

که کتاب ارزشمندی را هم با همین عنوان، یعنی "تعاون در اسلام" تالیف کرده‌اند، رهنمودهای ارزنده‌ای در این زمینه ارائه خواهند داد و ما با موضوع جایگاه تعاون در مکتب اسلام آشنا خواهیم شد. در بخش پایانی و پنجم این سمینار و وبینار به بررسی سیر تطور نظام تعاون در ایران خواهیم پرداخت. این که تعاون از چه زمانی در ایران شروع شد؟ چه مراحل را گذراند؟ چه فراز و نشیب‌هایی را طی کرد؟ و الان که دور هم جمع شدیم در چه جایگاهی است و چه کارهایی را باید انجام داد؟

اولین سخنران، جناب آقای دکتر حمید آماده با محور تخصصی "تحلیل و بررسی نقش و جایگاه الگوی بین‌المللی تعاون در جهان: بررسی تجارب کشورهای منتخب" بودند. ایشان تجارب تعاون در حداقل ۱۰ کشور جهان از پنج قاره مختلف پرداختند و ابتدا به این موضوع اشاره داشتند که در تعاونی‌ها عضویت برایمان مهم تر است یا تامین سرمایه؟ ایشان در ادامه این نکته را مطرح کردند که چرا ما نتوانسته ایم از تجارب موفق کشورهای دیگر در زمینه تعاون استفاده بکنیم. در بخش پایانی نیز ایشان با کمک پاورپوینت و در قالب جداول و نمودار به تحلیل موضوع عضویت، اشتغال و شاخص‌های اصلی اقتصاد تعاونی در کشورها و گرایش‌های مختلف تعاونی، پرداختند.

دومین سخنران، جناب آقای دکتر ابراهیم رزاقی بودند که به محور تخصصی "تحلیل و بررسی نقش و جایگاه کسب و کارهای تعاونی در توسعه

اقتصادی" پرداختند. ایشان ضمن بحث پیرامون نقش تعاونی‌ها در توسعه اقتصادی در زمان جنگ و بعد از سال ۶۸ این نکته را یادآور شدند که در قانون اساسی ما، هم از لحاظ محتوایی و هم غیرمحتوایی به صورت مشخصی به تعاونی‌ها اشاره شده است و این که دولت باید خدمتکار تعاونی‌ها باشد.

سومین سخنران، جناب آقای دکتر غلامرضا علیزاده بودند که با محور تخصصی "تحلیل و بررسی نقش و جایگاه الگوی بین‌المللی تعاون در توسعه اجتماعی ایران" به ایراد سخنرانی پرداختند و اظهار داشتند که توسعه اجتماعی در ایران زمانی شکل می‌گیرد که به تعاونی‌ها و حتی به گرایش‌های یازده گانه‌اش بهای لازم را بدهیم؛ برایشان بوروکراسی را کم کنیم و امکاناتی فراهم کنیم و حتی اگر یکی دو مورد هم داشتیم که زیان‌ده بودند، حمایت کنیم.

بخش چهارم، به سخنرانی جناب آقای دکتر احمدعلی یوسفی با محور تخصصی "مروری بر اهمیت و جایگاه تعاون در مکتب اسلام" اختصاص داشت. ایشان کتاب "اهمیت شیوه تعاون" را که همان دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله شهید بهشتی است را گام به گام براساس مکتب اسلام و نظریه تعاونی در جمهوری اسلامی مورد تحلیل قرار داده و ابهاماتی را که در فرمایشات شهید بهشتی است، بر اساس نظریه تعاون مبتنی بر مکتب اسلام نقد کردند.

در بخش پنجم، جناب آقای مهندس منوچهر یزدانی با محور تخصصی "تبیین و تشریح اهمیت و جایگاه نظام تعاون در قوانین و مقررات نظام



جمهوری اسلامی ایران" سخنرانی نمودند. ایشان در ابتدا به بررسی تعاون قبل از انقلاب در ایران و جهان پرداختند و بیان کردند که رویکرد تعاون قبل از انقلاب براساس استراتژی آمریکایی‌ها، یعنی بحث پیش‌گیری از نفوذ کمونیسم بود، غافل از این که کمونیسم در کشوری مذهبی مثل ایران از طریق تعاونی پیش‌گیری نمی‌شود. ایشان سپس ضمن اشاره به رویکرد تعاون در زمان بعد از انقلاب و در زمان حال اشاره کردند و اظهار داشتند که در شرایط کنونی که کشور در بحران است، دولت باید تعاون را محور قرار دهد، البته شرطش این است که قانون را اصلاح کند.

متن حاضر پس از پیاده‌سازی نوار صوتی جلسه هم‌اندیشی و تلفیق آن با برخی مطالب مکتوب سخنرانان گرامی و انجام سه مرحله ویرایش و پس از تایید ذی‌نفعان، به صورت کتابچه حاضر، آماده چاپ شده است. در پایان جا دارد از تمامی عزیزانی که به نحوی در برگزاری نشست مربوطه و آماده‌سازی و چاپ کتابچه حاضر همکاری داشته‌اند، به ویژه از سخنرانان گرامی نشست، از جناب آقای دکتر مسلم خانی، مدیرکل محترم دفتر ترویج، آموزش و تحقیقات تعاونی‌ها که علاوه بر مدیریت برگزاری نشست، مسئولیت دعوت از شرکت‌کنندگان نشست و هماهنگی با ۳۱ استان را نیز برعهده داشتند و از کلیه همکاران ایشان که در برگزاری نشست تلاش نموده‌اند و نیز از اعضای هیأت مدیره و همکاران دبیرخانه انجمن علمی تعاون ایران و

تمامی بزرگواران شرکت‌کننده در نشست علمی در ستاد وزارتخانه و نیروهای شرکت‌کننده در کلیه استان‌ها، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

**دکتر علیقلی حیدری**

**رییس انجمن علمی تعاون ایران**

## سمینار نظریه تعاون در نظام جمهوری اسلامی ایران:

### تحلیل و بررسی جایگاه الگوی بین‌المللی تعاون در توسعه اقتصادی و

### اجتماعی ایران

دکتر مسلم‌حانی، مدیرکل محترم دفتر آموزش، ترویج و تحقیقات

تعاونی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

اولین بخش از بحث ما به بررسی جایگاه تعاون در دنیا اختصاص دارد تا ببینیم الگوی تعاون و نظام تعاون در کشورهای گوناگون دنیا چه جایگاهی دارد، چه سهمی از اقتصاد دارد، مدل اداره آن به چه شکل است و چه اقداماتی برای پایایی و مانایی کسب و کارهای تعاونی در کشورهای منتخب انجام شده است. جناب آقای دکتر آماده سخنرانی علمی خوبی، در این حوزه ارائه خواهند داد و ما با تجارب حداقل پنج کشور منتخب آشنا خواهیم شد.

در بخش بعد، نقش و جایگاه نظام تعاون و کسب و کارهای تعاونی در توسعه اقتصادی ایران امروز بررسی خواهد شد و از زبان جناب آقای دکتر رزاقی خواهیم شنید که چگونه می‌شود از مدل تعاون و الگوی تعاون برای شکوفاسازی اقتصاد، برای مدیریت سرمایه‌های خرد و برای تجمع امکانات اندک بهره‌مند شد و شرایط را برای بالندگی

اقتصاد و عبور موفق از وضعیت رکودی و تورمی که الان به دلیل تحریم‌ها و سایر مسائل در کشور ایجاد شده است فراهم آورد.

در بخش بعدی، به تحلیل و بررسی جایگاه تعاون و الگوی بین‌المللی تعاون در کمک به مسائل اجتماعی کشور خواهیم پرداخت. می‌دانید که ما اکنون در کشور با چالش‌های اجتماعی متنوع و متکثری رو به رو هستیم که در خیلی از موارد در حال تبدیل شدن به بحران هم هست. چگونه می‌توانیم از نظام تعاون و مدل تعاون برای غلبه بر این چالش‌ها استفاده کنیم؟ جناب استاد عزیز ما را در این بخش، هدایت و نکات علمی دقیق، مفید و قابل استفاده‌ای را مطرح خواهند فرمود.

خیلی مهم است که دوستان عزیز بدانند جایگاه تعاون و خاستگاه تعاون در قالب بیان و کلید واژه، در مکتب اسلام قدمتی طولانی دارد. حدود ۱۴۰۰ سال است که بحث «تعاونوا علی البر والتقوی» و «و شاورهم فی الامر» و ده‌ها موضوع دیگر از این دست، در ادبیات دینی ما وجود داشته است. از این رو، بخش سوم بحث ما به آشنایی با جایگاه تعاون در اسلام اختصاص خواهد داشت. حجت‌الاسلام دکتر یوسفی که کتاب ارزشمندی را هم با همین عنوان، یعنی "تعاون در اسلام"، تالیف کرده‌اند رهنمودهای جامعی را در این حوزه ارائه خواهند داد و ما با موضوع جایگاه تعاون در مکتب اسلام آشنا خواهیم شد.

در بخش دیگری از سمینار در این حوزه، سیر تطور نظام تعاون در ایران بررسی خواهد شد: اینکه تعاون از چه زمانی در ایران شروع شد، چه مراحل را گذراند، چه فراز و نشیب‌هایی را طی کرد و الان که دور هم جمع شده‌ایم در چه جایگاهی است و چه کارهایی را باید انجام داد. آقای دکتر منوچهر یزدانی این قسمت را ارائه خواهند کرد.

باز هم خدا را شاکر هستیم از این که فرصت اندیشیدن فراهم شده است. یادتان باشد و یادمان باشد که اندیشه کردن و تفکر کردن در همه مکاتب به شدت مورد تاکید است. چون یک اندیشه صحیح می‌تواند یک نظریه خوب را به دنبال داشته باشد؛ یک نظریه خوب می‌تواند یک مدل خوب را طراحی کند و یک مدل خوب می‌تواند یک کارکرد مناسب را در پی داشته باشد و نهایتاً هم اتفاقات خوبی را در جامعه رقم بزند. اینکه ما بتوانیم در موضوع تعاون یک گفتمان‌سازی نخبگانی در کشور ایجاد بکنیم، اتفاق بسیار خوبی خواهد بود.

مستحضر هستید که الان در حوزه تعاون، بسیاری از نخبگان کشور، صاحب‌نظران کشور، حتی نمایندگان مجلس و وزرا و کسانی در حد معاون رییس‌جمهور هم ممکن است خیلی تفاوتی قائل نباشند بین یک کسب و کار تعاونی و یک کسب و کار مثلاً با مسئولیت محدود یا یک کسب و کار در حوزه شرکت‌های سهامی خاص. لذا در برخی از دیدگاه‌ها و نظرات، این موضوع به وضوح بر زبان جاری می‌شود که چه

تفاوتی وجود دارد؟ شرکت‌های تعاونی هم یکی از انواع هفتگانه شرکت‌ها هستند! این که ما بتوانیم با این نشست‌ها و هم‌اندیشی‌ها، گفتمان‌سازی‌نخبگانی را در حوزه نظریه‌پردازی و تئوریزه کردن نظام تعاون داشته باشیم از واجباتی است که حتما باید به آن پرداخته شود.

## دکتر حمید آماده، استاد دانشگاه

### تحلیل و بررسی نقش و جایگاه الگوی بین‌المللی تعاون در جهان: بررسی تجارب کشورهای مختلف

در سال‌های گذشته سلسله پژوهش‌هایی راجع به تجربه تعاونی در کشورهای منتخب انجام داده‌ایم که خلاصه‌ای از نتایج حاصله را خدمت عزیزان عرض می‌کنم.

در خصوص موضوع بحث، پرسش‌های عدیده‌ای مطرح است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ما تا به حال از صحبت‌هایی که راجع به تجربه تعاونی‌ها شده است چطور استفاده کرده‌ایم؟ آیا واقعا تا به حال شده است ما یک الگوی تعاون را از یک کشور پیشرو اخذ بکنیم و در کشورمان توسعه بدهیم؟ اگر این اتفاق نیفتاده است دلیلش چیست؟ چرا ما نتوانسته‌ایم از توسعه تعاون در کشورهای دیگر استفاده بکنیم؟ یکی از پرسش‌های کلیدی مطرح، آن است که مثلاً اگر قرار باشد ما از این الگوها استفاده کنیم، این استفاده در چه زمینه‌هایی باید باشد؟ آیا بحث عضویت برایمان خیلی مطرح است یا بحث تامین مالی؟

مطالبی که عرض می‌کنم بیشتر روی ساختار تعاونی‌ها متمرکز است. یعنی در واقع تأکید خود بنده این است که از تجربه ساختارسازی‌های جدید و نهادسازی‌های جدید در تعاونی‌ها استفاده

کنیم. راجع به این که تعاونی‌ها چه کار می‌توانند بکنند و این که ما نتوانسته‌ایم در کشورمان خوب از تعاونی‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استفاده بکنیم، بحثی به میانمی‌آورم. همه دوستان در این زمینه تسلط کافی دارند. به هر حال نکته اساسی این است که تعاونی‌ها با وجود این که در اقتصاد کشور ما پیشرفت داشته‌اند و توسعه مناسبی هم داشته‌اند، اما نتوانسته‌اند انتظارات را برآورده کنند و ما نتوانسته‌ایم از بسیاری قابلیت‌های تعاونی‌ها بهره‌مند شویم.

تعاونی‌ها برای ما چه کار می‌توانند بکنند؟ تعاونی‌ها می‌توانند فرصت شغلی ایجاد بکنند؛ می‌توانند درآمدها را افزایش بدهند؛ باعث ارتقای رفاه گروه‌های مختلف اجتماعی - به خصوص گروه‌هایی که از نظر درآمدی ضعیف هستند - بشوند؛ می‌توانند درآمد تولیدکنندگان را افزایش بدهند؛ حاشیه‌های بازار را کاهش بدهند؛ کسب درآمد اعضا را راحت‌تر بکنند؛ انواع و اقسام محافظت‌های اجتماعی را فراهم آورند؛ شبکه‌های توزیع را ارتقا و بهره‌وری‌ها را افزایش دهند. این‌ها مطالبی است که در مورد تعاونی، در مقالات مختلف و گزارش‌های مختلف اشاره شده است. ولی در همه این زمینه‌ها نتوانسته‌ایم از آن‌ها استفاده بکنیم. اجازه بفرمایید ابتدا نگاهی کلی راجع به وضعیت تعاونی‌ها در دنیا بر اساس گروه‌های اصلی تعاونی‌ها داشته باشیم. در دنیا به لحاظ



عضویت، بیشترین عضویت، در تعاونی‌های کشاورزی و خرده‌فروشی است که از نظر تعداد، یک میلیون و ۲۲۴ هزار تعاونی هستند. از نظر تعداد اعضا، تعاونی‌های مالی یا credit unions بیشترین عضو را دارند که حدود ۷۰۳ میلیون عضو هستند. از نظر ایجاد اشتغال هم همین تعاونی‌های مالی بیشترین اشتغال را ایجاد کرده‌اند؛ یعنی ۲ میلیون و ۴۵۲ هزار نفر. از نظر دارایی‌ها باز هم تعاونی‌های مالی بیشترین دارایی‌ها را دارند؛ چیزی حدود ۱۱ هزار میلیارد دلار. اما از نظر درآمد ناخالص سالانه، تعاونی‌های بیمه بیشترین درآمد را دارند؛ یعنی حدود هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار در سال درآمد ایجاد می‌کنند. نکته جالبی که می‌خواهم عرض کنم این است که وقتی آمار را بررسی می‌کنیم می‌بینیم این‌ها بیشتر تعاونی‌هایی هستند که ما در ایران نداریم، مثل تعاونی‌های بیمه. بعد از تعاونی‌های بیمه، بیشترین درآمد ناخالص سالانه متعلق به تعاونی‌های بازاریابی است که چیزی حدود ۷۳۶ میلیارد دلار درآمد دارند. متأسفانه این‌ها هم تعاونی‌هایی هستند که ما در ایران هیچ اقدامی برای ایجاد و توسعه آن‌ها نکرده‌ایم.

جدول ۱: شاخص‌های اصلی اقتصادی گرایش‌های عمده تعاونی

کل بخش‌ها	تعاونی‌ها	اعضا و مشتریان	کارکنان	دفاتر / محل عرضه یا توزیع	دارایی‌ها	درآمد ناخالص سالانه
بانکداری/ اتحادیه‌های اعتباری	۲۱۰.۵۵۹	۷۰۳.۰۷۰.۱۲۳	۲.۴۵۲.۱۳۰	۲۹۶.۵۶۶	۱۱.۲۶۲.۶۷۱.۴۹۹.۵ ۶۳	۱۶۷.۴۱۳.۴۴۸.۲۴۲
بیمه	۳.۶۴۴	۲۴۸.۸۶۴	۹۶۱.۴۰۹	۱.۳۶۱	۷.۵۰۰.۰۷۴.۵۵۸.۶۳ ۴	۱.۲۱۹.۴۷۲.۰۹۸.۵ ۲۰
کشاورزی/ خواربار	۱.۲۲۴.۶۵۰	۱۲۲.۱۲۰.۱۶۷	۱.۱۸۱.۶۸۲	۳۵.۳۸۶	۱۳۳.۸۱۱.۸۶۷.۴۶۰	۳۳۷.۷۰۵.۱۴۵.۸۷۰
خدمات رفاهی عمومی	۱.۷۱۴	۱۹.۸۵۸.۹۲۱	۹۴.۸۸۲	۱۰.۱۵	۱۴۱.۵۴۴.۳۱۷.۰۸۵	۴۱.۹۴۴.۰۲۲.۷۰۲
خواربار/ مصرف	۸۱.۴۳۷	۹۷.۸۶۹.۹۴۰	۸۷۵.۱۸۱	۱۰۰.۳۹۶	۲۴۳.۸۸۸.۷۶۳.۳۲۶	۱۵۴.۵۷۳.۰۷۱.۱۳۳
کارگری	۸۴.۷۹۹	۴.۳۶۹.۶۰۰	۱.۲۱۸.۷۵۱	۰	۱.۳۹۳.۸۷۴.۶۲۰	۱۲۴.۸۲۱.۲۰۰.۴۱۷
مسکن	۱۵.۲۴۷	۱۶.۳۸۳.۰۴۸	۱۰۲.۸۲۳	۱۷۳	۵۲.۴۰۵.۴۸۱.۴۸۷	۲۰.۷۰۹.۵۱۸.۰۴۱
سلامت/ بهداشت	۱.۷۰۰	۳.۴۴۱.۲۲۱	۱۵۳.۱۸۰	۵۱	۴۸۵.۷۸۹.۲۵۲	۴۰.۷۵۰.۷۷.۱۹۹
آموزشی و اجتماعی	۸۷.۹۹۸	۲۱.۸۷۶.۰۵۲	۴۹۷.۴۴۵	۱۳.۱۲۲	۸۴.۰۶۸.۹۵۵	۱۲.۳۰۵.۸۱۲.۲۶۴
خرید و بازاریابی	۴۱.۸۶۵	۲۶.۲۵۶.۰۵۴	۳۴۰.۲۰۰۸	۳۲۰.۵۵۹	۲۳۹.۰۰۰.۳۵۲.۲۵۵	۷۳۶.۶۳۱.۶۴۷.۳۹۹
سایر موارد	۷۶۰.۹۸۵	۵۶.۲۹۶.۱۷۷	۱.۶۷۱.۲۵۷	۳.۳۱۹	۳۱.۳۱۰.۹۱۳.۷۸۹	۱۴۳.۲۴۵.۰۷۲.۱۵۲
جمع کل در جهان	۲.۵۱۴.۵۹۸	۱۰.۷۱.۷۹۰.۱۶ ۷	۱۲.۶۱۰.۷۴۸	۷۷۱.۹۸۸	۱۹.۶۰۷.۴۲۸.۰۹۶.۴ ۲۶	۲.۹۶۲.۸۹۶.۱۱۳.۹۳ ۸

بررسی شاخص‌های دیگر به لحاظ منطقه‌ای نشان می‌دهد بیشترین سهم درآمد تعاونی‌ها از GDP متعلق به اروپا است. به طور میانگین حدود ۷ تا ۸ دهم درصد GDP کشورهای اروپایی متعلق به بخش تعاون است. مقام دوم متعلق به آمریکای شمالی با ۴/۱۲ درصد است. اما متاسفانه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) سهم تعاونی از کل GDP به طور میانگین ۰/۲۷ درصد است. یعنی این‌ها در واقع فقط از کشورهای جنوب صحرای آفریقا سهم بالاتری دارند. بسیار جالب است که اگر دقت کنیم می‌بینیم در کشورهای آمریکا، اروپا، آمریکای شمالی و اقیانوسیه، سهم تعاونی‌ها از کل درآمد ناخالص ملی بسیار بالا است و متاسفانه ما در آسیا در منطقه خاورمیانه ضعف‌های خیلی زیادی در این زمینه داریم.

## شاخص‌های اصلی اقتصادی تعاونی در مناطق مختلف جهان

جدول ۲: شاخص‌های اصلی اقتصادی تعاونی در مناطق مختلف جهان

منطقه	تعداد تعاونی‌ها	اعضای مشترک آن	درصد اعضا به جمعیت	تعداد کارکنان	درصد جمعیت شاغل در تعاونی‌ها	دفاتر/محال عرضه یا توزیع	کل دارایی (به دلار آمریکا)	درآمد ناخالص سالیانه (به دلار آمریکا)	درصد درآمد ناخالص به تولید ناخالص داخلی
جنوب صحرائ آفریقا	۸۵،۲۶۰	۱۸،۵۰۹،۶۰۵	۲،۷۳٪	۱۰،۹۱۴	۰،۰۰٪	۵،۸۴۴	۱۰،۸۴۷،۱۶۶،۲۷۵	۸۵۱،۶۴۰،۰۰۰	۰،۰۸٪
آسیا	۱،۹۲۳،۲۹۹	۴۸۴،۱۰۵،۶۹۵	۱۲،۶۸٪	۴،۳۰۶،۵۲۱	۰،۱۱٪	۴۸۱،۸۷۱	۳،۸۴۷،۳۲۹،۰۲۹،۴۹۰	۶۵۳،۶۲۹،۱۸۴،۸۷۰	۳،۲۵٪
حوزه کارائیب	۱۰،۴۹	۳،۵۸۳،۵۱۱	۱۲،۹۴٪	۵۴،۵۶۹	۰،۲۰٪	۴۶۲	۵،۹۳۴،۸۵۶،۹۸۷	۱۸۲،۷۱۴،۰۰۷	۰،۱۳٪
اروپا	۳۵۶،۳۸۰	۳۶۸،۰۰۶،۴۶۳	۴۵،۵۵٪	۵،۲۴۸،۸۵۲	۰،۶۵٪	۲۲۴،۵۹۳	۱۱،۶۸۸،۱۶۴،۹۸۸،۲۷۷	۱،۴۸۲،۴۸۱،۵۶۸،۷۲۸	۷،۰۸٪
آمریکای لاتین	۴۲،۷۶۵	۴۴،۱۷۹،۱۰۴	۷،۸۱٪	۸۱۶،۱۲۲	۰،۱۴٪	۱۴،۹۱۳	۸۳،۸۸۶،۵۴۴،۶۱۰	۱۸،۳۶۰،۲۲۱،۵۳۸	۰،۳۳٪
خوبسینه و افریقای شمالی	۱۶۲،۷۷۹	۴،۵۳۷،۰۸۴	۱،۵۷٪	۳۷،۷۱۴	۰،۰۱٪	۱۰،۹۵	۳۱،۶۸۱،۶۳۶،۰۰۰	۳،۶۱۹،۳۵۸،۰۰۰	۰،۲۷٪
آمریکای شمالی	۳۱۰،۰۷۸	۱۳۴،۷۲۵،۸۹۱	۳۸،۶۳٪	۱،۶۷۵،۷۷۸	۰،۴۸٪	۴۱،۷۵۰	۳،۸۲۵،۸۲۷،۱۱۲،۷۵۱	۷۴۴،۲۲۸،۱۳۴،۳۸۰	۴،۱۲٪

تحلیل و بررسی جایگاه الگوی بین‌المللی تعاون در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران

۲۱

۳,۴۶٪	۵۹,۵۴۳,۲۹۲,۴۱۶	۱۱۳,۷۴۶,۷۶۲,۰۳۷	۱,۴۶۰	۱,۲۳٪	۴۶۰,۲۷۸	۳۷,۸۰٪	۱۴,۱۴۲,۸۱۴	۱,۹۸۸	اقیانوسیه
۴,۳۰٪	۲,۹۶۲,۸۹۶,۱۱۳,۹۳۸	۱۹۶,۰۷۴,۲۸۰,۹۶,۴۲۶	۷۷۱,۹۸۸	۰,۱۹٪	۱۲,۶۱۰,۷۴۸	۱۶,۳۱٪	۱۰,۷۱۰,۷۹۰,۰۱۶	۲,۶۱۴,۵۹۸	کل جهان

ماخذ: آماده، ۱۳۹۷/۱۱/۱۷

از نظر سهم، کشورهای مثل فنلاند یا هلند بالاترین سهم بخش تعاون از GDP را به خودشان اختصاص داده‌اند. بقیه کشورها معمولاً سهم شاخص را پایین‌تر می‌دانند.

ICA اخیراً شاخصی را با عنوان "Cooperative Economy Index" (CEI) به معنای "شاخص اقتصاد تعاونی" توسعه داده است، که بنده جدیداً آن را دیده‌ام. این شاخص در واقع یک ترکیب وزن داده شده از وضعیت عضوگیری، اشتغال و درآمد ناخالص تعاونی‌ها در کشورها است. نگاهی به ۱۰ کشوری که شاخص اقتصاد تعاونی‌شان از همه بالاتر است نشان می‌دهد رتبه‌های اول تا دهم به ترتیب به نیوزیلند، فرانسه، سوئیس، فنلاند، ایتالیا، هلند، آلمان، اتریش، دانمارک و نروژ اختصاص دارد. این‌ها ۱۰ کشوری هستند که شاخص اقتصاد تعاونی آن‌ها از همه بالاتر است. حالا اگر این شاخص را با شاخص پیشرفت اجتماعی یا (Social Progress Index (SPI) مقایسه کنیم، جالب است که رتبه اول پیشرفته اجتماعی هم متعلق به نیوزیلند است؛ یعنی آن کشوری که بالاترین شاخص اقتصاد تعاونی را دارد، بالاترین شاخص پیشرفت اجتماعی را هم دارد. سوئیس که رتبه دوم در شاخص پیشرفت اجتماعی است از نظر شاخص اقتصاد تعاونی رتبه سوم را دارد. یا فنلاند که دارای رتبه چهارم از نظر شاخص اقتصاد تعاونی است، در زمینه پیشرفت اجتماعی، رتبه هشتم را دارد. در این ۱۰ کشور، جایگاه

این‌ها یک مقدار تغییر می‌کند. بنابراین تعاون حتماً می‌تواند در پیشرفت اجتماعی تاثیرگذار باشد.

چنانچه در جدول (۲) مشاهده می‌شود، تعداد تعاونی‌ها و اعضا در قاره‌ها و مناطق مختلف، بسیار متفاوت است. بیش از یک میلیون و ۹۰۰ هزار تعاونی فقط در قاره آسیا با بیش از ۴۸۰ میلیون عضو، فعالیت دارند و بیش از ۱۰۰۰ تعاونی با افزون بر سه میلیون و ۵۰۰ هزار عضو در جزایر کارائیب فعالیت دارند.

### شاخص اقتصاد تعاونی

چنانچه در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در شاخص ترکیبی وزن داده شده از عضویت، اشتغال و درآمد ناخالص تعاونی‌ها، کشورهای نیوزیلند و فرانسه به ترتیب در رتبه اول و دوم و کشورهای دانمارک و نروژ به ترتیب در رتبه‌های نهم و دهم دنیا قرار گرفته‌اند. جدول ۳، شاخص ترکیبی وزن داده شده از تعداد اعضا، میزان اشتغال و درآمد ناخالص تعاونی‌ها است.

جدول ۳: شاخص اقتصاد و تعاونی

رتبه	شاخص اقتصاد تعاونی
۱	نیوزیلند
۲	فرانسه

سوئیس	۳
فنلاند	۴
ایتالیا	۵
هلند	۶
آلمان	۷
اتریش	۸
دانمارک	۹
نروژ	۱۰

چنانچه در جدول ۴ مشاهده می‌شود، در شاخص پیشرفت اجتماعی نیز کشورهای نیوزیلند و سوئیس به ترتیب در رتبه‌های اول و دوم و کشورهای دانمارک و استرالیا به ترتیب در رتبه‌های نهم و دهم دنیا قرار گرفته‌اند.

جدول ۴: شاخص پیشرفت اجتماعی و شاخص اقتصاد دتعاونی

رتبه	شاخص پیشرفت اجتماعی (SPI)	شاخص اقتصاد تعاونی (CEI)
۱	نیوزیلند	نیوزیلند (۱)
۲	سوئیس	فرانسه (۲۰)
۳	ایسلند	سوئیس (۲)
۴	هلند	فنلاند (۷)
۵	نروژ	ایتالیا (۲۹)



هلند(۴)	سوئد	۶
آلمان(۱۲)	کانادا	۷
اتریش(۱۱)	فنلاند	۸
دانمارک(۹)	دانمارک	۹
نروژ(۵)	استرالیا	۱۰

نکته اساسی این است که چگونه؟ واقعا تعاونی‌ها در این کشورها چطور طراحی شده‌اند و چطور عمل می‌کنند که باعث پیشرفت اجتماعی شده‌اند؟

ICA گزارشی در سال ۲۰۱۶ تهیه کرده است که در واقع، نگاهی به وضعیت تعاونی‌ها در کل دنیا است. ICA روی سه گروه از تعاونی‌ها بسیار تاکید دارد: گروه اول تعاونی‌های کارگری؛ گروه دوم تعاونی‌های worker- members (یعنی تعاونی‌های که اعضایشان برای آن‌ها کار می‌کنند) و گروه سوم تعاونی‌های producer- members (یعنی تعاونی‌هایی که اعضایشان تولیدکنندگان هستند). اغلب این‌ها هم تولیدکننده‌های خرد هستند؛ یعنی تولیدکننده‌هایی که برای این‌ها قدرتشان در بازار افزایش پیدا بکند و آسیب‌های سیستم بازار کمتر به آن‌ها برخورد کند تعاونی ایجاد می‌کنند. از بین مناطق هم اگر تمرکز بکنیم روی منطقه آسیا، از کل ۲۲۰ میلیون اشتغالی که تعاونی‌ها ایجاد کرده‌اند ۲۰۴ میلیون آن در تعاونی‌های producer- members است؛

یعنی تعاونی‌هایی که اعضایشان تولید کننده هستند و اغلب هم تولید کننده مواد خام و محصولات اولیه هستند. حدود ۸ میلیون هم متعلق به تعاونی‌های worker-members هستند. نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است که شما خودتان دست‌اندرکار بخش تعاون هستید. ماچند تعاونی producer-members در ایران داریم؟ کدام گروه تعاونی‌های ما producer-members هستند یا worker-members؟ خیلی تعدادشان کم است. در حالیکه در دنیا این گروه تعاونی‌ها در حال گسترش هستند؛ هم به لحاظ اشتغال، هم به لحاظ درآمد و هم به لحاظ سایر شاخص‌ها.

### اشتغال در تعاونی‌ها به تفکیک مناطق و نوع تعاونی

چنانچه در جدول ۵ مشاهده می‌شود، در مجموع بیش از ۲۵۰ میلیون اشتغال در سطح جهان توسط تعاونی‌ها ایجاد شده است. در این شاخص نیز آسیا با بیش از ۲۲۰ میلیون شغل در رتبه اول و اقیانوسیه با بیش از ۶۰ هزار شغل در رتبه آخر قرار دارد.

جدول ۵: اشتغال در تعاونی‌ها به تفکیک مناطق و نوع تعاونی

جمع کل	نوع ۳	نوع ۲	نوع ۱	قاره
	تولیدکننده- اعضا(شامل کارکنان، در صورت	کارگر/اعضا	کارکنان	

	موجود بودن (اطلاعات)			
۱۵،۹۹۱،۲۰۷	۱۰،۱۳۲،۲۵۲	۱،۲۳۱،۱۰۲	۴،۶۲۷،۵۸۳	اروپا (۳۱)
۷،۱۸۳،۳۶۳	۵،۷۱۵،۲۱۲	۲۳۷	۱،۴۶۷،۹۱۴	آفریقا (۱۳)
۶،۲۲۰،۶۵۴	۲۰۴،۷۴۹،۹۴۰	۸،۲۰۰،۵۰۵	۷،۷۳۴،۱۱۳	آسیا (۱۴)
۶،۲۲۰،۶۵۴	۳،۰۴۸،۲۴۹	۱،۴۰۹،۶۰۸	۱،۷۶۲،۷۹۷	آمریکا (۱۵)
۶۰،۶۳۰	۳۴،۵۹۲	اطلاعاتی موجود نیست	۲۶،۰۳۸	اقیانوسیه (۱)
۲۵۰،۱۴۰،۴۱۲	۲۲۳،۶۸۰،۲۴۵	۱۰،۸۴۱،۴۵۲	۱۵،۶۱۸،۷۱۵	جمع کل

ماخذ: آماده، ۱۳۹۷/۱۱/۱۷

چنانچه در جدول ۶ مشاهده می شود، در مجموع شاخص های کلیدی عضویت، اشتغال و تولید ناخالص داخلی (GDP) سه کشور نیوزیلند، فرانسه و سوئیس بهترین وضعیت را دارا هستند.

جدول ۶: رتبه‌بندی کشورها بر اساس شاخص‌های کلیدی تعاونی

رتبه	اعضا و مشتریان به نسبت جمعیت	اشتغال نسبت به جمعیت	تولید ناخالص سالانه نسبت به تولید ناخالص داخلی
۱	فرانسه	نیوزیلند	نیوزیلند
۲	فنلاند	سوئیس	هلند
۳	سوئیس	ایتالیا	فرانسه
۴	اتریش	فرانسه	فنلاند
۵	جمهوری دومینیکن	مالت	لوکزامبورگ
۶	هلند	فنلاند	آلمان
۷	ایرلند	آلمان	ایرلند
۸	آلمان	هلند	ایتالیا
۹	قبرس	اسپانیا	دانمارک

برای بررسی وضعیت تعاونی در اقتصاد کشورها، چند کشور را انتخاب کرده‌ایم؛ از جمله کشور مالزی، به لحاظ این که کشور مسلمان است و در سال‌های اخیر پیشرفت اقتصادی خوبی داشته است. کشور دیگری که انتخاب کردیم، آمریکا است. در آمریکا از سال ۱۹۵۰ به بعد تعداد تعاونی‌ها رو به کاهش بوده است، اما آمریکادر زمینه ساختارسازی

تعاون، پیشتاز است. اغلب سیستم‌های تامین مالی جدید تعاونی‌ها متعلق به آمریکا است. کشور ژاپن به خاطر تعاونی‌های مصرفش و کشور هند هم چون بزرگ‌ترین شبکه‌تعاون را دارد انتخاب کرده‌ایم و یک بررسی میان این کشورها انجام داده‌ایم.

در کشور مالزی، تعاونی‌ها در زمینه اعتبار، کشاورزی، ساخت و ساز، حمل و نقل و بازاریابی محصولات فعال هستند. مسئولیت توسعه تعاونی‌ها هم با دولت است؛ از طریق وزارت توسعه کارآفرینی و تعاون. بانک تعاونی، دانشکده تعاون و سازمان علمی تعاونی هم دارند که من از این‌ها گذر می‌کنم. عمده تاکید من روی آخرین برنامه توسعه است که در مالزی برای توسعه تعاونی‌ها طراحی شده است. پنج ستون استراتژیک در این برنامه دیده شده است که به موارد مهم آن اشاره می‌کنم. یکی از موارد و نکات مهمی که در این استراتژی‌ها مطرح شده است، ارزش افزوده است؛ یعنی تاکید بر کسب ارزش افزوده بالا. نکته دوم، زنجیره ارزش صنایع است. یعنی خواسته‌اند که تعاونی‌ها زنجیره ارزش صنایع را توسعه دهند. دسترسی به منابع مالی به خصوص برای گروه‌های فقیر، ایجاد شبکه‌های کسب و کار محلی و تاکید بر سرمایه انسانی یا بحث ایجاد فضای مناسب برای افراد خلاق و تسهیل شکل‌گیری تعاونی‌ها از دیگر نکات واجد اهمیت است. این نکته خیلی مهمی است؛ به خاطر این‌که ما در سال‌های اخیر در ایران روند عکس

را طی کرده‌ایم. یعنی فکر می‌کنم مثلاً ۱۰ سال پیش تشکیل یک تعاونی خیلی راحت‌تر از الان بود و متأسفانه این فرایند مدام سخت‌تر شده است. بحث دیگر، نظارت موثر است. بحث تحقیق و توسعه، مدیریت حرفه‌ای و ارتقای اعتماد عمومی نکاتی است که در کشور مالزی برای توافق روی آن تاکید شده است (شکل ۱).

شکل ۱: عوامل استراتژیک برای توسعه تعاونی‌ها در آخرین برنامه توسعه کشور مالی

ستون استراتژیک ۱  
تحریک مشارکت  
تعاونی‌ها در بخش  
های اقتصادی با **ارزش  
افزوده بالا**  
پیاده سازی:  
- اتحادیه های  
استراتژیک  
- کنترل **زنجیره ارزش  
صنایع**  
- شبکه های **کسب و کار  
محلی** و برون مرزی  
- کاربرد تکنولوژی های  
سبزی  
- سرمایه گذاری در  
حوزه های جدید مربوط  
به **high-tech**

ستون استراتژیک ۲  
تقویت ظرفیت و  
قابلیت تعاونی‌ها  
پیاده سازی:  
- بهبود کارایی در  
حکمرانی و اجرا  
- ادغام تعاونی  
ها/فعالیت‌ها و مقیاس  
اقتصادی  
- شبکه های مشترک  
(**collaborative  
networking**)  
- کاربرد تکنولوژی  
های مدرن  
**دسترسی به منابع  
مالی**

ستون استراتژیک ۳  
خلق و توسعه  
قابلیت **سرمایه**  
**انسانی** در تعاونی‌ها  
پیاده سازی:  
- ایجاد **فضای  
مناسب برای ذهن  
های خلاق** و مبتکر و  
فرهنگ کارآفرینی  
- حرفه ای کردن  
مدیریت  
- شایسته سالاری  
در دانش تعاون  
- نظام یادگیری  
پیوسته

ستون استراتژیک ۴  
بهبود  
**اعتماد عمومی** در  
نهیضت تعاونی  
پیاده سازی:  
- ارتقا آگاهی در  
مورد تعاونی‌ها  
- رویکرد **people-  
friendly**  
- **تسهیل شکل  
گیری تعاونی‌ها**  
- کارکرد مؤثر با  
رسانه‌ها

ستون استراتژیک ۵  
تقویت تعاونی‌ها  
با **نظارت مؤثر** و  
اجرای آن  
پیاده سازی:  
- پیشگیری از  
طریق آموزش و  
پرورش  
- اقدامات  
پیشگیرانه  
- نظارت  
سیستماتیک  
- چارچوب قانونی  
**conductive**  
- انطباق با قانون  
تعاون

در مورد هند هم که بزرگ‌ترین شبکه تعاون و بیشترین اعضای تعاون را در دنیا دارد نکات خیلی مهمی وجود دارد که یکی از آن‌ها بحث مدیریت حرفه‌ای است. در هندوستان، افرادی که نه عضو تعاونی نیستند و نه سهامدار تعاونی، می‌توانند عضو هیأت‌مدیره باشند؛ مشروط بر این‌که در زمینه مدیریت، توانایی خیلی خوب و قابل قبولی داشته باشند. البته هند در این زمینه یک استثنا است و در بقیه کشورها چنین چیزی وجود ندارد. در تعاونی‌های هند روی بحث روش‌های مدرن تولید و بازاریابی بسیار تاکید شده است. آمار و ارقام هم‌حتما زیاد شنیده‌اید که مثلا حدود ۴۰ درصد کود شیمیایی مصرفی در بخش کشاورزی، از طریق تعاونی‌ها توزیع می‌شود. صنعت شکر و صنعت سیمان هندوستان تحت تسلط کامل تعاونی‌ها است. یک مورد خیلی معروف، بحث لبنیات و تولید شیر است که همین تعاونی‌ها باعث شده‌اند که هندوستان الان تبدیل به بزرگ‌ترین تولیدکننده شیر در دنیا شود. این نتیجه، ظرف همین پنج، شش سال اخیر به دست آمده است.

نکته اساسی در مورد تعاون آمریکا که می‌خواهم به آن اشاره بکنم بحث اصول تعاون است. صاحب‌نظران تعاون در آمریکا معتقد هستند که اصول سنتی هفت‌گانه تعاون باید به عنوان توصیه تلقی شوند. در آمریکادر مورد تعاونی‌ها روی ۳ اصل تأکید می‌شود:



۱- User-Ownership یعنی کاربر- مالک. مالک تعاونی کسی است که از تعاونی استفاده می‌کند.

۲- User-Control یعنی کاربر- کنترل. تعاونی را چه کسی کنترل می‌کند؟ کسی که از تعاونی استفاده می‌کند.

۳- User-Benefits یعنی کاربر- سود. منافع تعاونی به چه کسانی می‌رسد؟ به کسانی که از خدمات تعاونی استفاده می‌کنند.

در آمریکا تعاونی‌های بازاریابی، تعاونی‌های فناوری و تعاونی‌های مالی خیلی گسترش پیدا کرده‌اند. جالب است که همه این‌ها پشتوانه قانونی هم دارد. یعنی اول این نیاز ایجاد شده است. سپس آن را تبدیل کرده‌اند به قانون و بعد قانون را به طور کامل در سطح کشور اجرا می‌کنند. حتما می‌دانید مدل تعاونی‌های وایومینگ، مدلی است که در آمریکا شکل گرفته است. معروف‌ترین آن هم تعاونی‌های نسل جدید است که در آمریکا توسعه داده شده است. این تعاونی‌ها خیلی هم موفق بوده‌اند و الان در بقیه کشورها هم دارند استفاده می‌شوند. بزرگ‌ترین استفاده‌کننده از الگوی تعاونی‌های نسل جدید، کشور کانادا است که تعاونی‌ها در این کشور گسترش خیلی زیادی دارند.

در مورد ژاپن چند نکته قابل بیان است. یکی بحث توسعه قابل توجه تعاونی‌های مصرف است. در این تعاونی‌ها تأکید بسیار زیادی بر استفاده عضو از تعاونی و مشارکت عضو در اداره تعاونی می‌شود. نکته

دیگری که در تعاونی‌های ژاپن خیلی اهمیت دارد اتصال تعاونی‌های کشاورزی و صیادی به تعاونی‌های مصرف است. می‌دانید در ژاپن صد در صد صیادان، عضو تعاونی هستند. کشاورزی ژاپن چندان توسعه پیدا نکرده است، ولی اغلب کشاورزها عضو تعاونی‌ها هستند. نکته خیلی مهم این است که آن‌ها لینک برقرار کرده‌اند و فرایند تولید را به زنجیره‌های مصرف‌متصل کرده‌اند و این، کلید و رمز موفقیت تعاونی‌ها در ژاپن بوده است.

چند تجربه هم خدمت عزیزان عرض می‌کنم. یکی از تعاونی‌هایی که در آمریکا خیلی موفق بوده و حتماً شما از آمار و ساختارهایش اطلاع دارید بحث تعاونی‌های برق‌رسانی بوده است. این تعاونی‌ها به شدت در آمریکا توسعه پیدا کرده‌اند و موفق هم بوده‌اند و سطح دسترسی مناطق دورافتاده و مناطق روستایی را به برق افزایش داده‌اند. نکته خیلی جالب، تجربه بعضی از کشورها در بهره‌برداری از این الگو است. یکی از این کشورها بنگلادش است که در سال ۱۹۷۶ برای توسعه برق‌رسانی این الگو را به کار گرفت. از زمان به کارگیری این الگو، روزانه هزار مشتری به شبکه برق متصل شده است و تا سال ۲۰۰۴، به بالغ بر ۳۹۰ هزار خانوار، برق‌رسانی شده بود. پیش‌بینی کرده‌اند که به پشتوانه این تعاونی‌ها تا سال ۲۰۲۰ وضعیت برق‌رسانی در بنگلادش را می‌توانند به حد

استانداردهای بین‌المللی برسانند. همین‌الگو در نپال هم استفاده شده است.

نکته جالب این است که سیستم تامین مالی این تعاونی‌ها هم دقیقاً از یکدیگر الگوبرداری شده است و کاملاً هم مستقل از دولت هستند. در فیلیپین هم از همین‌الگو استفاده شده است.

تجربه دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم تجربه فنلاند است. فنلاند کشوری پیشرو در بحث تعاونی است. چند ویژگی خوب دارد که خدمت شما عرض می‌کنم. نکته اساسی این است که از تعاونی‌های انگلستان الگوبرداری کرده‌اند، اما در حال حاضر بخش تعاونی فنلاند ۴۰ درصد از بخش تعاونی انگلستان بزرگ‌تر است. تعاونی‌های خرده‌فروشی خیلی موفق‌تری دارند. نکته جالب این‌جا است که تعداد اعضای تعاونی در فنلاند از جمعیت این کشور بیشتر است. دلیلش هم این است که هر فرد بزرگسال در فنلاند حداقل در دو تعاونی عضو است. ۱۶۱ بانک تعاونی و ۲۰ شرکت بیمه تعاونی در فنلاند وجود دارد. یک دانشمند فنلاندی به نام Vertanen که برنده جایزه نوبل شده است جمله خیلی جالبی را درباره تعاونی‌ها بیان کرده است. او می‌گوید: «ما در فنلاند "راکفلر" (Rockefeller) یا "کارنگی" (Carnegie) نداریم اما تعاونی‌ها را داریم». یعنی چقدر این‌ها برای تعاونی‌ها ارزش قائل هستند و همین ارزش قائل شدن باعث شده است که الان شاخص توسعه

اجتماعی، شاخص رفاه و حتی شاخص محیط زیست آن‌ها رتبه اول در دنیا باشد.

در آفریقا کشوری که خیلی می‌توانیم از تجربه‌اش درس بگیریم کشور کنیا است. جالب است که کنیا خودش از کشور انگلستان الهام گرفته است. این‌ها چند اصل را مورد استفاده قرار دادند. یک اصل این است که می‌گویند ما به جای این که قانون "Too big to fail" را مدنظر قرار دهیم برویم سراغ قانون "Small is beautiful" و این را توسعه دهیم. جالب است که خودشان به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین مشکل در کنیا، نابرابری بوده است و برای از بین بردن این نابرابری، از تعاونی‌ها استفاده کرده‌اند. یک سری اصول و راهنما دارند که بسیار جالب است و خیلی می‌تواند برای ما مفید باشد. یک اصل این است که دولت می‌تواند کمک بکند، اما در ضمن می‌تواند صدمه هم بزند. چه کار کنیم که دولت به تعاونی‌ها صدمه نزند بلکه کمک بکند؟ نکته دیگر این است که تعاونی‌ها خودشان هم باید در تنظیم، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، کمک بکنند؛ یعنی ضمن این که با دولت لابی می‌کنند، خودشان هم در برنامه‌ریزی‌ها شرکت داشته باشند. نکته دیگری که استفاده کرده‌اند این است که تعاونی‌ها می‌توانند به شکل‌های مختلف ایجاد شوند. بحث دیگری که این‌ها ملاک قرار داده‌اند "Thin like a business" است؛ یعنی تعاونی دقیقاً باید مثل یک کسب و کار فکر کند.

به همین خاطر خیلی تاکید دارند روی کارآفرینی و کارفرماییتا قدرت کارفرمایی را در تعاونی‌ها ارتقا بدهند. نکته دیگری که روی آن تاکید دارند بحث ارزش افزوده است.

تجربه دیگری که اتفاقاً فکر می‌کنم خیلی به درد ایران بخورد، بحث تعاونی‌ها در عرصه مقاومت در شرایط بحرانی است. حتما در جریان بحران سال ۲۰۰۸ هستید. خیلی از کشورهای دنیا تحت تأثیر این بحران قرار گرفتند، اما من این‌جا تجربه کشورهای ایتالیا و فرانسه را آورده‌ام. در ایتالیا در دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ تعاونی‌ها توانستند نقش ضد چرخه‌ای را ایجاد کنند. یعنی از صعود و نزول‌های اقتصاد جلوگیری کنند. در بحث اشتغال، در این دوره اشتغال در تعاونی‌ها در ایتالیا ۸ درصد افزایش پیدا کرده است؛ در حالی که این افزایش در بقیه کسب و کارها فقط ۲/۳ درصد بوده است. در فرانسه افزایش اشتغال تعاونی‌ها در همین دوره ۱۲/۵ درصد بوده است که ۴۰ درصد از این رقم در تعاونی‌های جدید بوده است. یعنی این‌ها بعد از بحران ۲۰۰۸ شروع کردند به توسعه تعاونی‌ها.

نکته خیلی مهم دیگر، نرخ بقای تعاونی‌ها است. یکی از مشکلاتی که ما الان در کشورمان داریم تعاونی‌های غیرفعال هستند. ۱۹۸ هزار تعاونی ایجاد کرده‌ایم که حدود ۴۵ درصد آن‌ها غیرفعال هستند. البته بعضی از کارشناسان می‌گویند خیلی بیشتر از این عدد

است. اما نکته جالب این است که در فرانسه نرخ بقای تعاونی‌ها بعد از ۳ سال، ۸۲/۵ درصد بوده است؛ در حالی که این رقم در سایر کسب و کارها فقط ۶۶ درصد بوده است. آماري هم که منتشر کرده‌اند می‌گوید سهم اشتغال تعاونی‌ها از کل اشتغال در سال ۲۰۰۸، بالغ بر ۴/۲ درصد بوده است که در سال ۲۰۱۰ به ۴/۴ درصد و سال ۲۰۱۲ به ۴/۵ درصد رسیده است. یعنی بعد از بحران، اشتغال دارد مرتبا در تعاونی‌ها گسترش پیدا می‌کند.

اگر بخواهم یک جمع‌بندی از کشورهای پیشرو در زمینه تعاون که بررسی کردیم داشته باشیم، تأکید بر یکسری از تعاونی‌های خاص است:

- ۱- تعاونی‌های ارزش افزوده. تعاونی باید حتما روی ارزش افزوده تأکید داشته باشد.
- ۲- تعاونی‌های فرآوری. تعاونی‌هایی که محصولات خام را فرآوری می‌کنند و محصول فرآوری شده را در بازار می‌فروشند.
- ۳- تعاونی‌های اعتبار. متأسفانه در کشور ما شرایط به گونه‌ای است که دیگر نمی‌توانیم راجع به تعاونی‌های اعتبار حرف بزنیم؛ چرا که سابقه منفی شدیدی در مورد آن‌ها ایجاد شده است.
- ۴- تعاونی‌های کارگری. الان ما در زمینه واگذاری شرکت‌ها یا همان بحث خصوصی‌سازی، یک بحرانی داریم که همین یک ماه

قبل هم راجع به آن زیاد صحبت شده است. چرا این واحدهای اقتصادی را به کارگران که در واقع صاحبان اصلی آن‌ها هستند واگذار نکردیم؟ چرا یک الگو تهیه نکردیم که بتوانیم از این مدل استفاده کنیم؟ در حالی که این مدل در دنیا در حال رشد است.

۵- تعاونی‌های بازاریابی.

۶- تعاونی‌های خرید. در زمینه تعاونی‌های خرید، خوشبختانه ما در چند سال اخیر توانسته‌ایم تعاونی‌های تامین نیاز را گسترش دهیم. تجربه خیلی خوبی بوده است و من حدس می‌زنم که این تعاونی‌های تامین نیاز در آینده بتوانند در اقتصاد کشور خیلی مفید و موثر واقع شوند.

اما چرا تعاونی‌های بازاریابی مورد تاکید قرار گرفته‌اند؟ می‌خواهم راجع به "Marketing margins" صحبت بکنم. Marketing margins در بخش غذا در سال ۱۹۰۰ نسبت به قیمت اصلی محصول، ۲ برابر بوده است. یعنی اگر قیمت محصول را ۱۰۰ در نظر بگیریم، Marketing margins حدود ۲۰۰ بوده است. این رقم در سال ۱۹۹۰ به حدود ۵ برابر و در سال ۲۰۰۲ به ۸ برابر رسیده است. Marketing margins در جیب چه کسی می‌رود؟ می‌رود در جیب نهادهای واسطه. نهادهایی که اطلاعات بازار را جمع‌آوری می‌کنند، بسته‌بندی می‌کنند،

فرآوری می‌کنند، محصول را به مصرف‌کننده می‌رسانند. هشت برابر ارزش را تعاونی‌ها می‌توانند جذب کنند، چگونه؟ از طریق ورود به فعالیت‌های فرآوری، ورود به فعالیت‌های بازاریابی، ورود به فعالیت‌های خرید. اگر چنین اتفاقی بیفتد با همین تعداد تعاونی که ما داریم خیلی راحت می‌توانیم سهم تعاونی‌ها را به بالای ۲۰ درصد برسانیم.

می‌خواهم راجع به این نکته صحبت بکنم که چرا ما نتوانسته‌ایم از تجارب موفق کشورهای دیگر در زمینه تعاون استفاده بکنیم؟ دلایل مختلفی دارد که من روی سه نکته از آن‌ها می‌خواهم تاکید کنم:

۱- **ضعف و کمبود دانش.** دانش ما در زمینه تعاونی بسیار اندک است. دانشگاه‌های ما اصلا در مورد تعاونی کار نمی‌کنند. الان پرچم آموزش تعاون در دانشگاه‌ها را دانشکده‌های علوم اجتماعی برافراشته نگه داشته‌اند، از جمله دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. اما در دانشکده‌های اقتصاد اصلا شما نمی‌توانید راجع به تعاونی حرف بزنید؛ در مقابل‌تان جبهه می‌گیرند. در دانشکده‌های مدیریت هم به همین ترتیب. این امر باعث می‌شود که دانش در زمینه تعاونی ایجاد نشود. پژوهش به همین ترتیب. ما هر چند سال یک پژوهش انجام می‌دهیم و یک قراردادی می‌بندیم. با این روش نمی‌توانیم به مدل‌سازی‌های جدید در تعاون کمک بکنیم.



## ۲- ضعف و کمبود روابط بین‌الملل: این که هر چند وقت یک‌بار یک

تیمی بروند از هندوستان یا از مالزی بازدید بکنند کمک نمی‌کند. باید کمیته‌های فنی و کمیته‌های مشترک داشته باشیم؛ تعاملات دائم با کشورهای موفق و تعاونی‌های موفق در الگوهای مختلف داشته باشیم، جزئیات این‌ها را بررسی بکنیم. ما کلی نگر هستیم. می‌رویم تعاونی‌ها را در اسپانیا یا در هندوستان بازدید می‌کنیم، یک هفته هم آن‌جا می‌مانیم و برمی‌گردیم، ولی به جزئیات آن‌ها توجه نمی‌کنیم: این که عضوگیری‌شان چگونه است؟ تامین مالی‌شان چگونه است؟ قیمت گذاری‌هایشان چگونه است؟ چگونه به اعضا وام می‌دهند؟ چگونه قیمت را به اعضا پرداخت می‌کنند؟ تعاونی‌های جدید شرایط‌شان پیچیده‌تر است و جزئیات خیلی بیشتری دارند که لازم است به آن‌ها بیشتر دقت کنیم.

این‌ها نکاتی بود که به نظر بنده خیلی مهم‌تر از بقیه هستند. نکته خیلی مهم دیگری که می‌خواهم عرض بکنم درباره یکی از توصیه‌های ICA در سال ۲۰۱۶ است. چکیده و خلاصه این توصیه این است:

«Fight against pseudo-cooperatives»؛ یعنی باید با شبه تعاونی‌ها، آن‌ها که ادای تعاونی‌ها را در می‌آورند، به شدت مقابله کنیم. در گزارش ILO در سال ۲۰۱۴ هم به شدت روی این امر تاکید شده است.

خیلی مهم است که مادر کشور بگردیم ببینیم کدام شرکت‌ها هستند که ادای تعاونی را در می‌آورند و از برچسب تعاونی استفاده می‌کنند و وقتی پیدایشان کردیم با آن‌ها مقابله‌کنیم.

### دکتر مسلم‌خانی

خوشبختانه تجارب و نکات بسیار ارزنده‌ای را جناب آقای دکتر آماده به صورت مختصر و مفید در رابطه با کشورهای مثل مالزی، آمریکا، انگلستان، هندوستان، ژاپن، بنگلادش، نپال، فیلیپین، فنلاند و کنیا مطرح کردند که بسیار باارزش بود و بهره‌مند شدیم. نکته کلیدی در فرمایشات دکتر آماده این است که ما در بعضی از تعاونی‌هایی که در دنیا خیلی پیش‌تاز و پیشرو بوده‌اند، مثل تعاونی‌های مدیریت نقدینگی یا تعاونی‌های اعتبار، یا ورود نداریم یا یک ورود ناقصی داشته ایم و بعد تمام کرده ایم. به نظر می‌رسد که باید یک بازنگری در استراتژی‌هایمان در این حوزه داشته باشیم. یا مثلاً تعاونی‌هایی که در حوزه بیمه فعال هستند معمولاً جزو تعاونی‌های خیلی موفق دنیا هستند، اما ما در ایران در این عرصه خیلی حضور جدی نداشته‌ایم. این نشست‌ها بیشتر هدفش همین است که ما بتوانیم یک مقدار بازنگری در سیاست‌گذاری‌هایمان و در برنامه‌هایمان داشته باشیم.



## دکتر ابراهیم رزاقی، استاد دانشگاه

### تحلیل و بررسی نقش و جایگاه کسب و کارهای تعاونی در توسعه اقتصادی

در وجود انسان، حس تعاون، همیاری، همکاری و دردمندی نسبت به درد دیگران وجود دارد. یعنی اگر انسان دین هم نداشته باشد، به یک گونه‌ای از ناراحتی دیگران ناراحت می‌شود؛ به غیر از کسانی که طی یک برنامه منظم "بعضی اوقات با خشونت و بعضی اوقات با تکرار"، به جز این می‌شوند. آن وقت است که می‌شوند برده‌دار، که در کشورهای اروپایی و مخصوصاً آمریکا عادی است. تعاونی همه جای دنیا وجود دارد، ولی هیچکدام مبنای دینی یا مبنای انسان‌شناسی ندارند، به همین دلیل می‌روند به سوی تعاونی‌ها که منافی داشته باشد، اشتغال ایجاد کند، سرمایه جمع کند، بازاریابی کند، بیکاری را رفع کند. همه این‌ها بر مبنای اصول مادی است. در صورتی که آنچه در قانون اساسی ما و در اندیشه امام آمده و در گستره ۱۴۰۰ ساله اسلامی - هرچند همه جا مسلط نبود ولی وجود داشته است - یاری کردن دیگران است. انسان احتیاج دارد یار داشته باشد و یار دیگران باشد. به نظر می‌آید انسان‌ها به گونه‌ای دارند حرکت می‌کنند که منافع یکدیگر را تامین کنند.

از لحاظ تجربی هم حدود ۱۲ هزار سال است که از گردآوری خوراک رفته‌ایم به تولید. در این ۱۲ هزار سال عملاً- صرف‌نظر از فراز و نشیب‌ها و حکومت‌ها و هجوم‌هایی که به ایران شده است- یک شرایطی به وجود آمد که عمدتاً، به خصوص در روستاها، آدم‌ها با تعاونی زندگی می‌کردند، با همیاری زندگی می‌کردند تا اصلاحات اراضی دوران شاه. تا اصلاحات اراضی، ارباب بوده، اما ارباب تولید انجام نمی‌داد، بلکه نظارت می‌کرد، مدیریت می‌کرد و کار را اعضای صاحب زمین انجام می‌دادند. انواع تعاونی‌ها هم که به وجود آمده بود، مثلاً تعاونی مربوط به چرا؛ تعاونی مربوط به لایروبی‌ها و غیره. این‌ها اگر هم اسم تعاونی رویشان نبود، اما عملاً تعاونی بودند؛ چون برای منافع فردی نبودند، بلکه منافع جمع را تامین می‌کردند. اگر نگاه کنیم حتی دوره گردآوری خوراک هم این‌گونه بوده است که اگر کسی بیشتر از نیازش شکار می‌کرد اضافه‌اش را به دیگران می‌داد و با آن‌ها سهیم می‌شد. یعنی شخصیت انسان‌ها، ارزش انسان‌ها به این شکل بوده که زحمت زیادی بکشند تا امکان این را داشته باشد که به دیگران هم بدهند. این وضع نشان‌دهنده آن است که انسان‌ها نیازمند بودند؛ ضمن این‌که مشکلات و شرایط زندگی به گونه‌ای بوده که نمی‌توانستند به صورت فردی عمل بکنند. این فردگرایی بعداً به وجود آمده است.

اصل دوم قانون اساسی ما می‌گوید معاد برای اعتلای انسان به سوی خدا است؛ یعنی انسان هدفی دارد. در اصل سوم برای آن که این هدف محقق شود بعد از بیان این که نباید ستمگری باشد و باید ستم ستیزی و عدالت باشد، می‌گوید در تمام زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی و غیره باید استقلال داشت. در بند آخر هم می‌گوید دولت باید برای همه، کار، مسکن، خوراک، پوشاک، آموزش، بیمه و درمان فراهم کند. اصل ۴۳ هم تقریباً چنین چیزی می‌گوید و مخصوصاً قید می‌کند "اشتغال از طریق تعاونی‌ها".

اصل ۴۴ می‌گوید سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی. هیچ مکتبی این‌گونه نیست. مکتب‌های دیگر یا دولتی هستند یا خصوصی، ولی جمهوری اسلامی سه بخشی است. نکته خیلی مهم این است که می‌گوید بخش خصوصی مکمل بخش دولتی و تعاونی باشد. بنابراین اگر از لحاظ محتوایی نگاه کنیم بخش دولتی نباید کارفرمای مطلق باشد. در اصل ۴۳ این را قید می‌کند و اصل ۴۴ هم که می‌گوید بخش خصوصی باید مکمل بخش دولتی و تعاونی باشد. قبلاً هم در ایران بحث تعاونی خیلی قوی بوده است. اصلاً بدون تعاونی‌ها نمی‌شد زندگی کرد. چیزی که مطرح است انسان‌ها یاریگری کنند؛ به یکدیگر کمک کنند. منظور انسان‌هایی است که درد دیگران را بدانند، نه صرفاً در زمینه اقتصادی، بلکه در تمام زمینه‌ها. مثلاً هجوم را ببینید؛ وقتی دنیا به

ایران هجوم آورد چه کسانی توانستند در برابر دنیا دفاع کنند؟ کسانی که به تعاون اعتقاد بیشتری داشتند. بحث تعاونی گسترده‌تر از آن است که صرفاً به اقتصاد، به فرهنگ و... ختم شود.

ما با تجربه عظیمی در دوره انقلاب روبه‌رو هستیم. اولین مرحله انقلاب بعد از پیروزی چگونه عمل می‌کردند؟ پیش قدم بودند برای دفاع، پیش قدم بودند برای انقلاب. سپس بعد از انقلاب، کسانی که در برابر تهاجمات ایستادند، همه امکانات‌شان را از دست دادند و هیچ چیزی هم نخواستند. این فضاها را که نگاه کنید به نظر می‌آید که یک اندیشه قوی تعاونی در ایران وجود داشته است. قانون اساسی ما نیز، هم از لحاظ محتوایی و هم غیرمحتوایی، به صورت مشخصی به تعاونی‌ها اشاره داشته است. دولت هم که باید در خدمت تعاونی‌ها باشد. اگر با این دید ببینیم، به نظر می‌آید حکومت جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس تعاونی‌ها تشکیل شود. چرا؟ چون اگر سرمایه‌داری باشد، تعاونی‌ها در چارچوب سرمایه‌داری و برای بقای سرمایه‌داری عمل می‌کنند. سوسیالیستی هم که نیست، اگر سوسیالیستی هم بود بایستی در چارچوب منافع سوسیالیسم عمل می‌کرد. وقتی تعاونی در جمهوری اسلامی ایران با این تجربه طولانی وجود دارد، دولت نمی‌تواند کارفرمای مطلق و همه‌کاره باشد. یعنی باید به گونه‌ای عمل شود که مجالس قانون‌گذاری ما از تعاون‌گران، از خانواده‌های شهدا، از جانبازان تشکیل

شود و در همه زمینه‌ها در چارچوب مدیریتی که این اعتقاد را دارد عمل بکند. اگر چنین بود می‌توانستیم یک نمونه تعاونی جهانی ارائه بدهیم.

تا سال ۱۳۶۸، یعنی پایان جنگ تحمیلی، تقریباً همین گونه بود. شما نگاه کنید در زمینه‌های مختلف دفاعی، توزیع کالاها، کمک به تولید، خدمات بهداشتی و درمانی و غیره کسی نباید فقیر می‌بود. کالابریگ می‌دادند. کسانی که جامعه را اداره می‌کردند - صرف‌نظر از برخی مسائل و پاره‌ای خطاهای صنعتی و اقتصادی - کل تفکرشان به این سمت بود که کسی فقیر نباشد، کسی بیکار نباشد، یا بیماری نباشد که نتواند خودش را معالجه کند. ولی بعد از پایان جنگ تحمیلی، از زمان دولت سازندگی، بنظر می‌رسد که سیاست‌های سرمایه‌داری لیبرال کم‌کم جای پای خود را در اقتصاد ایران پیدا کرد و تا به حال هم ادامه یافت. ای کاش الگوی سرمایه‌داری بود که مثل آمریکایی عمل می‌کرد، مثل فرانسوی، مثل یک کشور دیگر نه مثل اسکاندیناوی‌ها. سرمایه‌داری نفتی وارداتی؛ اصلاً تولید مهم نیست. به تدریج تمام چراغ‌های تولیدی که در دوره دفاع مقدس روشن شده بود، خاموش شد. خصوصی کردند؛ هیچ نتیجه‌ای هم نداد و برعکس نابود شد. فقط یکسری صنایع مانده که خام فروش هستند. مثلاً فولاد تولید می‌کند،



ولی این فولاد به قطعات ماشین‌آلات تبدیل نمی‌شود؛ درست برخلاف قانون اساسی.

ببینید تا به حال، مخصوصاً در این دوره ۵ ساله، چه اتفاقاتی افتاده است. تعاونی چگونه می‌تواند شکل بگیرد؟ فرهنگ تعاونی چگونه شکل می‌گیرد؟ آن‌هایی که ایثارگر بودند، جانباز بودند، رشادت کردند، روزنامه‌های خودمان می‌نویسند چرا این‌ها رفتند؟ بیخود کردند رفتند دفاع کردند. این همه ناسپاسی! حالا بیایند در مورد تعاونی‌های اقتصادی، تعاونی‌های فرهنگی هم عمل بکنند؟ غیرممکن است. نتیجه چه شده است؟ یک تهاجم عظیم علیه هر کسی که تعاونی فکر می‌کند و خودش را در برابر مسائل اکثریت افراد جامعه مسئول می‌داند. چرا؟ چون سرمایه دارانه فکر می‌کنند، آن هم بدترین نوع سرمایه‌داری یعنی دلال صفتی، نزول خواری، گرفتن یک موسسه دولتی مفت و عمل نکردن درباره آن وظیفه‌ای که بر گردن دارند. محاکمه هم نشدند. همه جا هم فساد به وجود آمده است. وام‌های چند هزار میلیاردی می‌گیرند، پس هم نمی‌دهند. همه بانک‌ها بدهکار هستند؛ این بدهکاری‌ها سپرده‌های مردم بینوا است. بعد تورم را به وجود می‌آورند و از طریق آن تورم همه را فقیر می‌کنند. تورم ۱۵ درصد، ۲۰ درصد است در مقابل دستمزد ۵ درصد، ۱۰ درصد بالا می‌رود. یعنی چه؟ همه فقیر شوند. آخرین هجومش هم که حدود ۴ ماه پیش بود. شما فضا را نگاه کنید،

چه کسانی نسبت به تعاون احساس مسئولیت می‌کنند؟ مسئولین در مورد تعاون چه فکری می‌کنند؟. وقتی یک نفر ۲ میلیارد دلار، ۵ میلیارد دلار می‌گیرد و پس نمی‌دهد و هیچ کس هم محاکمه‌اش نمی‌کند، یعنی هر کس که می‌خواهد می‌تواند در این خط برود. تضمین است، هیچ طوری نمی‌شود؛ زیرا استثنا است کسانی که محاکمه شوند، استثنا است کسانی که به دام بیفتند. وقتی فضا اینگونه است چگونه امید داریم تعاونی چیزی بشود و به جایی برسد؟ در حالی که میلیون‌ها نفر ایرانی به تعاون فکر می‌کنند. شاید هم ندانند تعاون چیست، ولی عملاً دلشان برای دیگران می‌سوزد.

خیریه‌ها را نگاه کنید. اگر خیریه‌ها نبودند چه اتفاقاتی در ایران می‌افتاد. این خیریه‌ها کمک کردند که وخامت به آن شدت نرسیده است. طبق آمار رسمی در این چند ماهه اخیر تورم ۵۰ درصد رشد کرده است، در حالی که حقوق و دستمزد را بالا نبرده‌اند. این‌ها چگونه زندگی کنند؟ ۴۱ میلیون ایرانی خانه ندارند. با ماهی یک میلیون و ۲۰۰ چگونه کرایه بدهند؟ ۷۰، ۸۰ درصد ایرانی‌ها زیر یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان دستمزد می‌گیرند. اکثراً نمی‌توانند خودشان را معالجه کنند. یک ویزیت ساده، ۵۰ هزار تومان است. تمام بیمارستان‌ها را خصوصی کردند. مزد و حقوق را این‌ها تعیین می‌کنند، دولت تعیین می‌کند، بعد آزاد هستند هر کسی مزد و حقوق کارگران و کارمندان خودش را

خودش تعیین کند. بیمه می‌کنند، حق بیمه نمی‌دهند. ما یک تهاجم اولیه داشتیم که دوره دفاع مقدس بود. در دوره دفاع مقدس ما چه کار کردیم؟ در برابر هر تهاجمی مقاومت کردیم. در اثر این مقاومت چه پیش آمد؟ تهاجم‌ها تبدیل به قدرت شد. به ما اسلحه ندادند ما اسلحه‌ساز شدیم، به ما فلان کالا را نمی‌دهند ما خودمان می‌سازیم. ولی بعد از دفاع مقدس چه اتفاقی افتاد؟ یک تهاجم ثانویه روی داد. به این نتیجه رسیدند که از نظر نظامی نمی‌توانند به ما حمله کنند پس از لحاظ فرهنگی حمله کنند، روحیه تعاون را از بین ببرند، روحیه دفاع را از بین ببرند، روحیه مقاومت را از بین ببرند. چه کسی این کار را کرد؟ از درون ایران کسانی آمدند که این وظیفه بیرونی را انجام دهند. افرادی به وجود آمدند که در نهایت شقاوت، در نهایت ناسپاسی دارند کشور را اداره می‌کنند. از طریق چه؟ از طریق سیاست سرمایه‌داری. افرادی به وجود آمدند با ثروت‌های بالا، ولی نه در تولید بلکه در واردات، در وام گرفتن و پس ندادن، در احتکار. این تهاجم اقتصادی دارد از درون عمل می‌کند. از مزد و حقوق بگیرها مالیات می‌گیرند اما از ثروتمندان مالیات نمی‌گیرند. اسم‌های این‌ها را هم هیچ‌جا نمی‌آورند و دولت هم نمی‌خواهد این‌ها را بشناسد. در تمام دنیا این‌ها را می‌شناسند و از آن‌ها مالیات می‌گیرند؛ این‌جا مالیات از فقرا می‌گیرند. این فرهنگ خونخوار وحشی آمریکایی در ایران رشد کرده است. مسئولین فکر می‌کنند که برده‌دار هستند، بقیه برده هستند. کارگر برده است؛ هر کسی پول ندارد،

شخصیت ندارد. نتیجه چه می‌شود؟ آدمی که با آن فضای فرهنگی رشد کرد، وقتی جاننش را حاضر است بدهد، اقتصاد که دیگر چیزی نیست. سودش را کنترل می‌کند. یا در بحث فرهنگی، کمک می‌کند به دیگران. حالا این آدم آنچنان تحت فشار قرار می‌گیرد که ممکن است از این نظام حمایت نکند، همان چیزی که آمریکایی‌ها می‌خواهند. خدا را شکر که هنوز این‌گونه نشده است. ولی ممکن است بشود، از شدت فقر، بیکاری، ناامیدی و اگر این اتفاق بیفتد آدم خوارها که مرتباً دور و بر ایران هستند مانند داعش، داخلهم می‌آیند. چه کسی از ایران دفاع کند؟ کافی است که این‌ها با آن اغتشاش‌گرها همراهی کنند، چیزی از ایران نمی‌ماند. بسیاری از مسئولین، دولت، مجلس این را می‌دانند ولی کماکان سرمایه‌داری لیبرال را ادامه می‌دهند.

به نظر بنده نابودی تعاون یعنی نابودی هر آنچه که دیگری را دوست دارد، دیگری را می‌خواهد. یک کسی بر سر در خانه‌اش نوشته بود: «هرکس در این سرا درآمد نانش دهید دینش نپرسید؛ آنکه به او جان داد همچون من خسی باید به او نان دهد» ببینید در چه سطحی صحبت می‌کند. یعنی انسان‌ها تا این حد باید با یکدیگر همیاری داشته باشند. انشاءالله مسئولین به خود بیایند. لاقلاً مثل سرمایه‌داری فکر کنند، فقرا را داشته باشند. این‌ها اگر نباشند هر تهاجمی موفق می‌شود، این‌ها اگر راضی نباشند مثل فرانسه پیش می‌آید، مثل آمریکا پیش

می‌آید که علی‌رغم این که تعاونی‌هایشان رشد دارند نمی‌توانند به‌ها داشته باشند. سرمایه‌داری به خاطر منافع خودش هم که باشد باید حمایت کند حداقل‌ها را به افراد بدهد. آن هم در کشوری که ۱۵۰۰ میلیارد دلار واردات کالا و خدمات در این ۳۰ سال داشتیم اما فقط ۲۳ میلیون شغل ایجاد کردیم در صورتی که باید بین ۷۵ تا ۱۵۰ میلیون شغل ایجاد می‌کردیم.

من فکر می‌کنم الگویی که برای تعاون داریم صحبتش را می‌کنیم باید یک الگوی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مقاومت، دفاعی باشد؛ یعنی حکومت جمهوری اسلامی باید بر این اساس باشد. ان‌شاءالله که مسئولین فکر کنند؛ این‌گونه که جلو می‌روند براندازی است. چه بخواهند و چه نخواهند. کل نظام را به خطر می‌اندازد نه فقط آن گروهی که مدیریت کردند، نه فقط قوه مجریه و قوه مقننه، همه را زیر سوال می‌برند. با آن نگاه، تعاونی نمی‌تواند شکل بگیرد اگر هم شکل بگیرد ظاهری است. بزرگ‌ترین دشمن تعاونی، الان مسئولین اجرایی ما و نمایندگان مان هستند و تا یک حدودی قوه قضاییه که جلوی فساد را نمی‌گیرد، مبارزه قاطع نمی‌کند. الان ۴۰ سالگی انقلاب را جشن می‌گیریم. درست است که دستاوردهایی بوده است اما آنچه که اصلی است بیان نمی‌شود. ناراضی کردن اکثریت مردم. اگر به این سمت رفتیم - که به این سادگی نمی‌شود - نمایندگان انقلابی انتخاب می‌کنیم،

نمایندگان ایثارگر و تعاونگر انتخاب کنیم، رییس‌جمهور ایثارگر انتخاب می‌کنیم نه رییس‌جمهوری که ثروت‌های عظیم و کاخ‌های آنچنانی و ... دارد. کسانی را انتخاب می‌کنیم که همه هستی‌شان را می‌گذارند روی تعاون. در اینصورت نمونه جهانی می‌شویم. خدا کند بتوانیم در مسیری که باید برویم و گرنه تمام دستگاه‌های اطلاعاتی‌مان، دستگاه‌های رسانه‌ای‌مان، تلویزیون و رادیو از همه چیز صحبت می‌کنند غیر از آن چیزی که اساسی است. همه را امیدوار می‌کنند که درست می‌شود، بعد زمان می‌گذرد و همین داستان تکرار می‌شود و ادامه پیدا می‌کند، در نهایت به جایی می‌رسد که اگر واقعا هم بخواهند درست کنند دیگر کسی باور نمی‌کند.

### دکتر مسلم خانی

بنده چند موضوع را از فرمایشات آقای دکتر رزاقی برداشت کردم. نکته مهم این است که چگونه می‌شود از طریق اقتصاد تعاونی با فساد مبارزه کرد. این مدلی است که در خیلی از کشورهای دنیا الگوی مردمی‌سازی اقتصاد را به سمت اقتصاد تعاونی سوق داده‌اند که هم نظام نظارتی درونی دارد، هم نظام نظارتی بیرونی و هم کنترل اعضا. به این شیوه می‌شود با مفسد اقتصادی مبارزه کرد. شاید از فرمایشات آقای دکتر رزاقی بتوانیم این استنباط را بکنیم که الگوی تعاونی و مدل کسب و کارهای تعاونی می‌تواند یک روش، یک الگو و یک شیوه برای کاهش

مفاسد اقتصادی یا مدیریت مفاسد اقتصادی باشد. نکته دوم که در فرمایشات آقای رزاقی مستتر بود این است که اصولاً در اصل ۴۳ قانون اساسی تأکید روی تعاونی‌های کار است. اصلاً می‌گویند خاصیت اصل ۴۳ این است که دولت به عنوان نهاد قدرت مکلف است که سرمایه و ابزار کار را در اختیار همه قرار دهد که این‌ها بتوانند از طریق تعاونی برای خودشان کار ایجاد کنند. یعنی ذات و فلسفه و ماهیت تعاونی در اصل ۴۳، خلق کسب و کار و فعالیت کردن در حوزه نقش‌آفرینی اقتصادی است. نکته دیگری که من از فرمایشات آقای دکتر رزاقی الهام می‌گیرم این است که اصولاً در نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رکن دوم را به تعاون داده‌اند و رکن سوم. من بعضی وقت‌ها دیده‌ام در رسانه‌هایی گویند اقتصاد، راه سوم. نمی‌دانم این عدد سه از کجا آمده است. اصولاً آن‌جا گفته‌اند اقتصاد ایران از سه مدل، سه الگو، سه روش تبعیت می‌کند که یکی اقتصادی است که در اختیار دولت است و معمولاً سیاست‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در حوزه‌های نفت و پتروشیمی و مخبرات و قسمت‌های دیگر است و دوم روی تعاونی‌ها تأکید می‌کند که در الگوی دوم، نقش مردم در قالب با هم بودن، در کنار هم بودن، هر عضو یک رای و موضوع عدالت اقتصادی معنی پیدا می‌کند. سوم می‌آید روی اقتصاد بخش خصوصی که شرکت‌های با مسئولیت محدود و سهامی خاص و تضامنی و سایر موارد را در بر می‌گیرد.

## دکتر غلامرضا علیزاده، استاد دانشگاه

### تحلیل و بررسی نقش و جایگاه الگوی بین‌المللی تعاون در توسعه اجتماعی ایران

صحبت‌هایم را با شعری از خودم آغاز می‌کنم:

به نام خالق دانایی و توانایی / خدای بهره‌وری‌های کار و کارایی  
 مهندس همه سازه‌های سینایی / مدیر جمله سامانه‌های مینایی  
 خدای مهر و محبت خدای آزادی / خدای عاشق سازندگی و آبادی

در ذیل فرمایشات جناب آقای دکتر خانی، آنچه در اقتصاد بخش تعاون در اصل ۴۴ آمده است بر اساس قاعده فقهی «الاقرب فی الاقرب» است و نشان می‌دهد که چه بخش‌هایی مهم هستند و بر اساس قاعده مهم بودنشان مطرح شده‌اند. عاملی که باعث شده است ما نتوانیم به درستی توسعه پیدا کنیم یا روند توسعه بسیار کند انجام گیرد آن است که ما گیر اجتماعی داریم. بعد از جنگ جهانی دوم، طرح مارشال در اروپا هم رفت، در آمریکای لاتین هم رفت. ولی در آنجاها فقر را توسعه داد و در اینجاها باعث شد چون ققنوس از زیر خاکستر آتش‌ها دوباره رشد کنند و شکوفا شوند و به مرحله امروز برسند. توسعه اجتماعی، امری است انسانی که مناسبات انسانی لازم دارد و لذا بایستی انسان‌ها بتوانند با یکدیگر همکاری، مشارکت ارادی، اختیاری و خلاق



داشته باشند. توسعه اجتماعی به صورت دستوری و آمرانه تحقق پیدا نمی‌کند. بررسی‌های ما نشان می‌دهد که تعاونی‌های خانوادگی حتی به مراتب از بانک‌ها هم بیشتر به افراد میان خودشان تسهیلات می‌دهند. در زمینه‌های دیگر هم به همین شکل است می‌بینید آنجایی که بوروکراسی حاکم نیست، تعاونی‌ها بهتر رشد می‌کنند. در آخرین نشستی هم که بود بزرگ‌ترین گیری که کشورهای در حال توسعه داشتند، اعم از زودآغاز و دیر آغازشان، این بود که نتوانستند به یک مشارکت و به یک کار جمعی دست پیدا کنند. ادبیات ما هم مشحون از همین قضایا است: «دلا خو کن به تنهایی که از تنها بلاخیزد/سعادت آن کسی دارد که از تنها بپرهیزد» (تنها یعنی بدن‌ها). یعنی حتی شعر و ادبیات ما هم ما را فردگرا می‌کند. اگر شریک خوب بود، خدا هم برای خودش می‌گرفت. یا ضرب‌المثل «کلاه خودت را نگه دار باد نبره». همه این ادبیات‌ها مشحون از پیام‌های ضد توسعه است و عملاً تا زمانی که ما نتوانیم با این پدیده کنار بیاییم، پول و تزریق پول هم مشکل ما را حل نمی‌کند. کما این‌که اگر پولی هم باشد بحث بیماری هلندی و امثالهم پیش می‌آید و باید صادر کنیم به جاهای دیگر، خودمان نمی‌توانیم استفاده کنیم.

اتحادیه بین‌المللی تعاون یکی از نهادهای بزرگ است که در سال ۱۸۹۵ تاسیس شد و فعالیت خود را در زمینه‌های همبستگی و

پیوستگی و در عین حال ارتباط خلاق و همپوشی بین تعاونی‌ها در سراسر جهان شروع کرد. چهار دفتر منطقه‌ای در آسیا، اروپا، آفریقا و امریکا دارد و همچنین دارای ۸ سازمان تعاونی بانکی، کشاورزی، شیلات، بهداشت و درمان، مسکن، مصرف‌کننده، صنعت و خدمات است.

در حال حاضر در ایران افزون بر ۹۵ هزار و ۸۲ تعاونی فعال داریم. البته می‌دانید که آمار در ایران یکی از معضلات است. می‌گویند پایه ساختن، شناختن است و شناخت یعنی آمار. یک زمانی بنده از خارج آمده بودم گفتند یک کاری را انجام بده. وقتی در قضا و ورود کردم دیدم زمین‌های کشاورزی ایران بین ۱۲ میلیون هکتار تا ۱۸ میلیون هکتار متغیر است. دامنه تغییرات بسیار وسیع بود. گفتم ۱ متر، ۲ متر و ۱ هکتار و ۲ هکتار نیست؛ با این آمارها نمی‌شود کار کرد. در سبد هزینه خانوار گاهی تا ۳۷۰ درصد، یعنی بالاتر از سه و نیم برابر شدن قیمت‌ها را دارید، اما جعبه‌های محصولات، کوچک‌تر و توپشان خالی‌تر شده است، ولی می‌بینید از آن ۴۰۰ عاملی که می‌آیند میانگین وزنی می‌گیرند یک چیزهایی که گران‌تر است برمی‌دارند، یک چیزهایی که مصرف ندارد را می‌گذارند و بالاخره جمع و جورش می‌کنند و آن ۱۵، ۱۶ درصدی را که می‌خواهند درمی‌آورند.

یکی از تعاریف آمار این است که علمی‌ترین روش دروغ گفتن است. به هر حال در ایران حدود ۴/۴ میلیون عضو تعاونی هستند. بخش

تعاون بالغ بر ۱/۶ میلیون اشتغال ایجاد کرده است که حدود ۱۴ درصد اشتغال را در ایران تشکیل می‌دهد. البته در بحث اشتغال، این که فردی در هفته چهار ساعت هم کار کند شاغل محسوب می‌شود یکی از قضایایی است که برای بالا بردن سطح اشتغال استفاده می‌شود. ضمن این که جمعیت دانشجویی و دانش‌آموزی ما بیکار محسوب نمی‌شوند، بلکه شاغل تلقی می‌شوند. اگر آن‌ها را هم بخواهیم در محاسبه بگذاریم نرخ بیکاری به نزدیک ۳۷، ۳۸ درصد می‌رسد. در استان‌ها حدود ۶۴۰ اتحادیه استانی و ۲۱ اتاق تعاون داریم و حدود ۱۰ هزار تعاونی زنان هم در کل ایران اولین تعاونی در سال ۱۳۱۴، در بخش کشاورزی در ایران ایجاد شد.

تعاونی‌های ایران بر اساس قانون، به تعاونی‌های تولیدی و توزیعی و در مواردی هم تولیدی و توزیعی طبقه‌بندی می‌شوند. در جهان حدود ۱/۲ میلیارد نفر از مردم در تعاونی‌ها عضو هستند. این میزان جمعیت در قالب حدود ۲۰۶ میلیون تعاونی متشکل شده‌اند. به تعبیری می‌توان گفت از هر ۶ نفر جمعیت جهان، یک نفر عضو تعاونی‌ها هستند. در عین حال گردش‌های مالی تعاونی‌ها بسیار قوی است؛ به طوری که ۳۰۰ تعاونی برتر جهان بیش از ۱/۲ تریلیون دلار گردش مالی داشته‌اند. در بخش تعاون جهان حدود ۱۱۰ گرایش شغلی و حرفه‌ای وجود دارد.

اما توسعه اجتماعی چگونه می‌تواند با تعاونی‌ها پیوند داشته باشد؟ دقیقاً بیانیه ماموریت تعاونی‌ها همان توسعه است؛ نه در مفهوم کلی توسعه، بلکه توسعه اجتماعی‌شان. اگر بپذیریم که توسعه از دو بخش تشکیل می‌شود که یک بخش آن رشد اقتصادی است که با شاخص‌هایی چون تولید ناخالص ملی (GDP)، تولید خالص ملی، درآمد ملی و درآمد و سایر شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شود، بخش دیگر، رفاه اجتماعی است که عبارت است از رشد متوازن و متوالی و پیوسته در شاخص‌های اجتماعی نظیر وزن متناسب کودکان زیر پنج سال، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، میزان مرگ و میر تا ۴۰ سالگی، میزان توزیع و دامنه نابرابری در زمینه غذا و مسکن، میزان جمعیت باسواد، میزان مشارکت زنان در مدیریت‌های پایه میانه و ارشد کشور، آزادی رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری، حضور افراد در نهادهای مدنی و نهادهای خودانگیخته، میزان امید به زندگی و طول عمر، میزان طلاق، میزان بیکاری، میزان آسیب‌های اجتماعی... . بنابراین توسعه مجموعه‌ای است از رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی.

تعاونی‌ها از یک طرف به دنبال توزیع عادلانه‌تر ثروت هستند و از طرف دیگر از تراکم و تکاثر ثروت در دست یک عده محدود جلوگیری می‌کنند. ثروتمندان جهان روزانه ۲/۵ میلیارد دلار به ثروتشان افزوده می‌شود. این لیبرالی نیست، نئولیبرالی جدیدی است که ما گرفتارش

شده‌ایم. متأسفانه دولت ما دولت واردات محور است. شما ببینید برای یک تولید چه چرخه‌های عظیم و عجیبی درست شده است که طرف بخواهد تولید بکند اصلاً صرف نظر می‌کند. ولی در بخش دلالی و واسطه‌گری قضیه فرق می‌کند. باز من دلالی و واسطه‌گری را تفکیک می‌کنم؛ آن‌هایی که ارزش افزوده ایجاد می‌کنند، لازم هستند؛ حتی اگر اسم بروکر (broker) به آن‌ها بدهیم. اگر ارزش افزوده ایجاد کنند، یک جنسی را بگیرند و این را بسته‌بندی کنند و ارائه بکنند ارزش افزوده ایجاد می‌کند و وقت ما را کمتر می‌گیرد و چون وقت افراد ارزش دارد روی حسابداری ملی اثر می‌گذارد. اما نکته این است که این‌ها فقط جنس را جابه‌جا می‌کنند. در آمریکا به ازای هر هزار نفر یک دلال وجود دارد، در اروپا به ازای هر ۶۶۰ نفر و در ایران در مقابل هر ۳۳ نفر. بقیه هم شبه دلال هستند. یعنی آن‌ها هم به همین روش عمل می‌کنند و این‌ها اجازه رشد تعاونی‌ها را نمی‌دهند.

مطالعه در طول تاریخ نشان می‌دهد که توسعه اجتماعی ما مدیون تعاونی‌ها بوده است. این‌جا دوستانی داریم که کشاورزی خوانده‌اند و می‌دانند ما یک کشور نیمه خشک بیابانی هستیم و در این کشور نیمه خشک بیابانی اگر روش‌های توزیع آب به روش تعاونی نبود ما هرگز قادر نبودیم این‌جا بنشینیم و زندگی بکنیم. در گذشته، آبی که سهم هر کسی بود آن‌هایی که نزدیک هم بودند سعی می‌کردند روی

هم بگذارند که این بخشی که پرت می‌شود بین ۱۵ نفر یا ۱۵ دقیقه تا آخرین مزرعه باید برسد برای هر کدام یک دقیقه شود، بنابراین ۱۴ دقیقه بهره‌وری شود. در بسیاری از امور غیر از روش‌های تعاونی، اصلاً اقتصاد جواب نمی‌دهد. در بحث‌های اقتصادی هم داریم. وقتی ستون یک پلی کج شده و بیرون بیاید به یک نفر هزار سال هم به وقت بدهیم نمی‌تواند کاری انجام دهد، اما اگر چند نفر همکاری کنند طناب بگیرند و بکشند آن را جا می‌اندازند. بنابراین کارهایی وجود دارد که فقط توسعه آن از طریق مشارکت جمعی است. مشارکت جمعی هم نیاز به این دارد که زمینه‌های احساس نیاز، ادراک نیاز، نیاز پیش‌بینی، نیاز محاسبه‌ای و نیاز استانداردها داشته باشیم. این پنج مرحله نیاز را باید در انسان‌ها ایجاد کنیم.

تعاونی‌های خانوادگی هر چند چون کنترل نمی‌شوند ممکن است اثرات اقتصادی‌شان در سرعت گردش پول و ضریب تکاثر اثر بگذارد و تورم‌زا باشد، ولی به مراتب یکدیگر را پوشش بیشتری می‌دهند تا این‌که بخواهی از بانک مثلاً یک وام ازدواج بگیرد. در این‌جا باید چند نفر کارمند دولت ببرند که چک داشته باشند، قباله ببرند، اجاره بها ببرند و امثالهم تا بخواهند یک وامی بگیرند. من حساب کردم کسانی که در تایید فرمایشات آقای دکتر رزاقی عزیز، آن میزانی که می‌گیرند باید بر اساس ضوابط بانک بیش از ۵۰ میلیون نفر ضامن شوند تا آن وام

تحقق پیدا کند. علی‌الاصول تعاونی‌ها به دنبال این هستند که بتوانند توزیع عادلانه ثروت بکنند و اصولاً یک پروتوتایپ هستند از سه قوه: مجمع عمومی، قوه مقننه است؛ هیأت مدیره و مدیرعامل، قوه مجریه است و بازرسان هم قوه قضاییه. بنابراین ما در تعاونی‌ها نوعی تمرین دموکراسی و تمرین تسامح و تساهل می‌کنیم که بتوانیم یکدیگر را تحمل کنیم و ظرفیت شنیدن انتقادات مان را بالا ببریم و بتوانیم افراد اصلح و شایسته را انتخاب کنیم که این خودش می‌تواند منبع توسعه اجتماعی در زمینه گردش نخبگان بشود. الان در جامعه ما گردش نخبگان وجود ندارد.

از اول انقلاب، ۸۰۰ مدیر ارشد که از ۲۰۰ خانواده هستند، همیشه دارند کشور را اداره می‌کنند و اگر بعضی‌هایشان نیستند مرده‌اند، اگر می‌ماندند در جای دیگر ظاهر می‌شدند. بنابراین با یک چنین شرایطی و با این نحوه عمل تعاونی‌ها نمی‌توانند رشد کنند. باید سیستم بوروکراسی را در تعاونی‌ها کمکنیم. ما واقعاً در کشور دچار یک بوروکراسی خفقانی هستیم که به معنای واقعی خفه می‌کند؛ به خصوص وقتی یک تعاونی بخواهد تاسیس شود.

یک گروه از بچه‌های فوق‌لیسانس دانشکده صنعتی امیرکبیر تکنیک‌هایی را آورده بودند که بتوانند زعفران را در جاهای مختلف بدون استفاده از خاک و آب زیاد، بکارند. ولی آنقدر آن‌ها را در چرخه

انداختند که هنوز هم که ما خدمت شما هستیم کارشان حل نشده است. چون اخذ مجوز به بخش دیگری محول شد که راجع به این مسأله هیچ چیزی نمی‌دانست. "ذات نایافته از هستی بخش / چون تواند که بود هستی بخش!". کسی که راجع به چیزی هیچ نمی‌داند چگونه می‌تواند بودجه اقتصادی و بودجه فنی و غیره را تصویب کند؟

ما معضلات بوروکراسی و ضعف مدیریت داریم. تعاونی‌ها اگر بخواهند شکل بگیرند بایستی ارادی، اختیاری باشند. به قول دیوژن که وقتی اسکندر به دیدار او که در یک خمره زندگی می‌کرد رفته و گفته بود من اسکندر هستم از من چه می‌خواهی، گفت از شما می‌خواهم که سایه‌ات را از سر من برداری بتوانم آفتاب را ببینم؛ ما هم واقعا اگر بخواهیم تعاونی‌ها رشد بکنند بهتر این است که اسکندر دولت، سایه‌اش را از روی تعاونی‌ها بردارد و اجازه بدهد تعاونی‌ها خودشان شکل بگیرند. یعنی دولت نظارت نکند و نه دخالت. ما الان می‌بینیم که در همه امور تعاونی‌ها دخالت می‌کنند. بنابراین مشارکت، رمز و راز توسعه است و تعاونی‌ها جلوه گاه ویژه و تبلور این نوع مشارکت‌های خلاق هستند و بایستی ما این زمینه را تحقق ببخشیم. به قول فخرالدین مزارعی «قطره دریا است اگر با دریاست / ورنه او قطره و دریا دریاست / قطره را تا که به دریا جایی ست / پیش صاحب نظران دریایی ست / گر ز دریا به کنار آید زود / بود آن قطره‌ناچیز که بود». این، جمع است که به انسان قدرت



می‌دهد. در جمع، انسان غمش را فراموش می‌کند. در جمع حتی کارکردها و عملکردها با تابع لگاریتمی رشد می‌کند نه با تابع تصاعد هندسی. بنابراین بایستی از زمینه‌های استفاده از منابع انسانی بیشتر بهره بگیریم.

توسعه امری است انسانی - اجتماعی و برای این که تحقق پیدا کند باید محیط اجتماعی را انسانی کنیم. در محیط اجتماعی که همه به دنبال واسطه‌گری و دلالتی هستند می‌بینیم بخش تعاون که بنا بود در چشم‌انداز، ۲۵ درصد اقتصاد کشور یا GDP را به خودش اختصاص دهد، عملاً خیلی کمتر از این عدد است. از من خواسته بودند محاسبه بکنم، یک محاسبه سرانگشتی که کردم دیدم در مرز ۵ درصد است. آنچه ما برای توسعه لازم داریم این است که جوانگرایی بکنیم، به جوان‌ها فرصت بدهیم، اجازه بدهیم که رشد بکنند، در تعاونی‌ها به آن‌ها کمک بکنیم، اصل بر برائت باشد نه بر مجرم بودن. متأسفانه در نهادهای تصمیم‌گیر ما و سازمان‌هایی که برای تعاونی‌ها تصمیم می‌گیرند اصل بر این است که این ممکن است وام را بگیرد و بخورد. بر همین اساس ضمانت‌های آنچنانی می‌خواهند. آن جوان از کجا این همه تضمین بیاورد؟ تعاونی تشکیل می‌شود برای کسانی که سرمایه ندارند، امکانات ندارند، نیازهای مشترک دارند؛ آنوقت این همه انواع و اقسام تضامین را از کجا بیاورند؟ یکی از کارها این است که بایستی به جوانان اعتماد

کنیم و اجازه بدهیم در قالب تعاونی‌ها متشکل شوند. مثل تعاونی‌های سوئد که در جنگ جهانی اول توانستند تا ۳۹/۷ درصد قیمت‌ها را به زیر قیمت جنگ بکشانند. به بخش خصوصی پیام رسانند که اگر قیمت‌ها را تعدیل نکنید ما خودمان وارد تولید می‌شویم و واردات می‌کنیم. برای دولت، تعاون یک نعمت است نه یک نعمت. بایستی دولت تعاونی‌ها را تقویت کند و راه‌شان را هموارتر بکند، ولی می‌بینیم که واقعا این همواری تحقق پیدا نمی‌کند.

بنابراین، توسعه اجتماعی در ایران زمانی شکل می‌گیرد که به تعاونی‌ها و حتی گرایش‌های یازده‌گانه‌اش بهای لازم را بدهیم. بوروکراسی را کم کنیم، امکاناتی فراهم کنیم و حتی اگر یکی دو مورد هم داشتیم که زیان ده بودند ببخشیم؛ ما که این همه بخشنده هستیم و انواع و اقسام بخشش‌ها را برای موسسات اعتباری انجام دادیم. در بخش بالا رفتن قیمت ارز، بانک‌هایی بودند که ورشکسته بودند و ۳۰ هزار میلیارد تومان تراز منفی داشتند، به این‌ها گفتند با چراغ خاموش بخريد، خریدند و نه تنها منفی ترازشان را از بین بردند بلکه به مثبت رساندند. خب! ما که این‌گونه از جیب مردم بخشندگی داریم به موسساتی که متعلق به افراد و گروه‌های خاصی هستند، چرا به جوانانمان که آمده‌اند یک تعاونی تشکیل داده‌اند و یک مقداری هم متضرر شده‌اند، کمک نکنیم که رشد بکنند. پسگاهش بوروکراسی یکی

از زمینه‌های اساسی رشد تعاونی‌ها است و رشد تعاونی‌ها زمینه‌ساز توسعه اجتماعی است. از طرفی دیگر واقعاً باید مدیرانی را در بخش‌های تعاونی بگذاریم که به این بخش اعتقاد داشته باشند، نه این‌که بیایند و بعد از مدتی بروند در بخش خصوصی و بورس و امثالهم فعال شوند. یعنی به این بخش علاقه‌مندی داشته باشند و دغدغه این بخش را داشته باشند و در عین حال مثل تعاونی‌ها منافع جمع را به فرد رجحان و برتری ببخشند و منافع آتی را به منافع آنی ترجیح بدهند. اگر این کارها را انجام ندهیم پول هم بیاید، می‌رود. در محلات یک بخش استخراج سنگ و معادن سنگ داشتیم که به این‌ها وام داده شد تا کار کنند، همگی رفتند شاسی بلند خریدند، به جای این‌که صرف ابزار و تجهیزات بکنند. یعنی سرمایه تا زمانی که اعتقاد به تولید نباشد فایده‌ای ندارد.

## دکتر مسلم خانی

همه ما می‌دانیم که در کشور ما از موضوع بنه‌ها و بعد موضوع گروه‌های خودیار و گروه‌های همیار و نهایتاً سازماندهی شده‌ترین این مدل‌ها به شرکت‌های تعاونی می‌رسیم که آن‌جا افراد می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند و یک نقش آفرینی اقتصادی و اجتماعی کارآمد داشته باشند و حضور آن‌ها در جامعه به حل یک مسأله و به پاسخ‌گویی به یک یا چند نیاز مشترک منجر شود. شاید برجسته‌ترین و متمایزترین

ویژگی شرکت‌های تعاونی که آن‌ها را بیشتر به سمت کسب و کارهای اجتماعی سوق می‌دهد موضوع "هر عضو یک رای" باشد. ما معمولاً در کسب و کارهای دیگر این مدل را نداریم. افراد بر اساس قدرت مادی‌شان و بر اساس توان اقتصادی‌شان، در سیاست‌گذاری آن کسب و کار، در سیاست‌گذاری آن شرکت، نقش‌آفرینی می‌کنند. ولی در تعاونی‌ها به دلیل ذات مردمی بودن و اجتماعی بودن، تاکید می‌شود که هر عضو فارغ از این که آورده‌اش چقدر است، سهامش چقدر است، مقام و منصب و جایگاه اجتماعی و اقتصادی‌اش چقدر است، به هنگام تصمیم‌گیری یک رای بیشتر ندارد. لذا این نوعی پست مدرنیسم در کسب و کارهای تیمی و گروهی هم محسوب می‌شود. لذا باور من بر این است که شاید نزدیک‌ترین مدل به کسب و کارهای اجتماعی، همین کسب و کارهای تعاونی هستند که در فرمایشات استاد علیزاده هم به این نکات اشاره شد و بهره‌مند شدیم.

## حجت‌الاسلام دکتر احمدعلی یوسفی، استاد حوزه و دانشگاه

### مروری بر اهمیت و جایگاه تعاون در مکتب اسلام

بحثی را تحت عنوان گسترش نظریه تعاون بر اساس مکتب اسلام در جمهوری اسلامی ایران، گذشته، وضعیت موجود و نگاه به آینده خدمت عزیزان عرض می‌کنم. کار اصلی بنده فقه اقتصادی است و در دانشگاه هم تحصیلاتم در رشته اقتصاد بوده است و از سال ۹۷ تا به الان حوزه تخصصی‌ام در بحث اقتصاد و تعاون از منظر اسلام است و تالیفات و کتاب‌هایی هم در این زمینه داشته‌ام.

اولین تاثیری که قانون اساسی از مکتب اسلام گرفت اصل چهارم قانون اساسی است که بیان می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است». سه واژه دارد که دارای جنبه فقهی و اصولی است: اطلاق، عموم و حاکم. یعنی هر اصلی در منافات با این اصل باشد، این اصل است که باید ترجیح داده شود. تشخیص این امر هم با فقهای شورای نگهبان است. فصل چهارم قانون اساسی که فصل اقتصادی است و ۱۳ ماده دارد، از جمله اصل‌های ۴۳ و ۴۴ ذیل همین اصل تعریف می‌شوند. بنده معتقدم هنوز

هم اولین گام و اولین اقدامی که بر اساس مکتب اسلام، در خصوص تعاونی در جمهوری اسلامی ایران تبیین شد، کتابی است که خود وزارت تعاون چاپ کرده است تحت عنوان "اهمیت شیوه تعاون" که دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله شهید بهشتی است. ایشان در این کتاب، ۱۸ مطلب را مورد بررسی قرار داده‌اند که بسیاری از این مطالب را موکول کرده‌اند به آینده و در برخی از آن‌ها هم با ابهام و در برخی هم اظهار نظر صریح کرده‌اند که به اعتقاد بنده بسیار مسائل اساسی است و ای کاش در طی این مدت ما روی همین دیدگاه‌های آقای شهید بهشتی درست کار می‌کردیم. بنده سعی می‌کنم ابهامات موجود در فرمایشات شهید بهشتی را، بر اساس نظریه تعاون مبتنی بر مکتب اسلام بیان کنم.

– **ماهیت تعاونی:** ماهیت تعاونی چیست؟ شیوه و روش بخش اقتصادی است یا نظام اقتصادی؟ ایشان بیان می‌کنند به عنوان یک روش و شیوه؛ ولی در قانون اساسی ما به عنوان بخش است. در تحقیقی که ما انجام دادیم، تعاونی به معنای واقعی حتما در عرض نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی است، اما از دیدگاه اسلام به عنوان یکی از بخش‌های نظام اقتصادی اسلام محسوب می‌شود. طبق بررسی‌های ما، اسلام یک نظام اقتصادی چهار بخشی است که البته در قانون اساسی، سه بخش آن آمده است. بخشی از فرمایشات دوستان که در این جا به آن‌ها اشاره شد به عنوان بخش خیرخواهانه نظام اقتصادی اسلام محسوب می‌شود و

درواقع این ابهام، در کتاب اقتصاد تعاونی از منظر اسلام برطرف شده است.

**- جایگاه تعاونی‌ها نسبت به نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی:** این بخش فرمایشات ایشان تقریباً در حد یک سخنرانی است، ولی با این توضیحی که بنده عرض کردم قطعاً اقتصاد تعاونی در عرض این دو نهاد به حساب می‌آید.

**- نوع مالکیت در تعاونی‌ها و تفاوت آن در انواع تعاونی‌ها:** مستحضر هستید که نوع مالکیت در تعاونی‌ها بسیار اهمیت دارد. ایشان بحث‌هایی را در خصوص مالکیت شخصی، مالکیت خصوصی، ... مطرح می‌کنند، ولی با بررسی‌هایی که انجام شده است اگر ما جریان مالکیت را در تعاونی‌ها حل نکنیم تعاونی‌های ما با همین مشکلاتی که گرفتارش هستند رو به رو خواهند بود. براساس مبانی اسلامی، مالکیت‌هایی که در تعاونی‌ها به کار می‌روند در چارچوب تعاونی‌های مشاعی فراگیر و غیرفراگیر است. ابعاد این تعاونی‌های مشاعی فراگیر و غیرفراگیر و تاثیرش در تاسیس یک تعاونی واقعی در آن کتاب بیان شده است.

**- جایگاه اصل رفتاری تعاون نسبت به اصل رفتاری رقابت آزاد اقتصادی:** اساساً اصل رفتاری رقابت، یک اصل مبتنی بر اندیشه‌های سکولاری غیر قابل قبول بر اساس موازین اسلامی است. آیت‌الله شهید

بهشتی هم همین مسأله را به مفهوم متداولی که الان هست بیان می‌کند. آیت‌الله شاه‌آبادی استاد عرفان حضرت امام واقعاً دیدگاه‌های اقتصادی‌عجیبی دارند وای کاش ما وقت خود را می‌گذاشتیم روی دیدگاه‌های تعاونی افرادی مثل آیت‌الله شاه‌آبادی و شهید بهشتی، که اگر این گونه بود الان جمهوری اسلامی ایران برای دنیا نظریه تعاونی جدیدی داشت. ایشان می‌فرمایند که اصل رفتاری رقابت یک اصل ثبوییت است. بعد ایشان یک اصل رفتاری جدیدی ارائه می‌دهند: تعاون در درون مدل و روابط مسئولانه با بیرون مدل.

– **اصول تعاونی و معیار اصل در تعاونی:** این بحث مهمی است. ما بر چه معیاری باید برویم؟ اصول تعاونی باید چند تا باشد؟ ما معیاری را در این کتاب بر اساس نظریه تعاون در اسلام ارائه کرده‌ایم و بر اساس آن معیار نشان داده‌ایم اصولی که هر تعاونی به عنوان تعاونی واقعی باید رعایت بکند پنج اصل است که دیگر وارد آن اصل‌هانمی‌شوم؛ چون بحث‌هایی دارم که ممکن است به آن‌ها نرسیم.

– **معیار در تقسیم انواع تعاونی‌ها:** تعاونی کارگری، تعاونی مسکن، تعاونی شهری، روستایی، ... واقعا معیار ما در تقسیم‌بندی تعاونی چه باید باشد؟ بر اساس بحثی که ارائه داده‌ایم تعاونی‌ها می‌توانند با توجه به نوع مالکیتی که برایشان طراحی می‌کنیم و بر پایه فلسفه تعاونی‌ها و



اهدافی که باید دنبال بکنند به سه دسته تقسیم شوند: تعاونی‌های تولیدی، توزیعی و تلفیقی.

– **چگونگی سرمایه و مالکیت دولتی و مدیریت تعاونی‌ها:** چطور می‌شود سرمایه و مالکیت، دولتی باشد و تعاونی‌ها بر اساس این سرمایه بتوانند عمل بکنند؟ جمع بین سرمایه و مالکیت دولتی و مدیریت تعاونی‌ها باید به چه شکل صورت بگیرد؟

– **نقش تعاونی‌ها در چگونگی واگذاری بنگاه‌های دولتی و پرهیز از همراه شدن با جریان سرمایه‌داری:** متأسفانه هر زمان ما آمدیم این واگذاری‌ها را اقدام بکنیم دقیقاً دچار همین مشکل شد. ایشان تصریح می‌کند که دولت سالاری اقتصادی تبدیل به سرمایه سالاری اقتصادی نشود. به معنای واقعی باید توزیع ثروت انجام شود نه فقط توزیع درآمد. در آن‌جا بر اساس نظریه اسلامانواع روش‌ها را برای این‌که واقعاً در واگذاری‌ها بدنه اصلی مردم از ثروت بهره‌مند شوند مطرح کرده‌ایم.

– **تناسب عضویت آزاد و دخالت دولت در تعاونی‌ها:** البته ما در آن‌جا بحث عضویت آزاد و مسئولانه را بر اساس مبانی اسلامی مطرح کرده‌ایم و درستش هم همین است. چگونه می‌شود دولت‌ها در تعاونی‌ها دخالت داشته باشند، اما اعضا آزاد باشند؟ ما در آن‌جا بحث مسئولیت

در عضویت آزاد و مسئولانه را مطرح و ارتباطش را با دخالت دولت در تعاونی‌ها تبیین کرده‌ایم.

**– حضور تعاونی‌ها تنها در مشارکت‌های کوچک یا شرکت‌های تولیدی و توزیعی بزرگ:** خیلی‌ها اعتقادشان این است که تعاونی‌ها سرمایه‌های کوچک را به هم ملحق می‌کنند و بعد با هم مشغول می‌شوند و سرمایه‌های بزرگ بماند برای جاهای دیگر. این منطق، منطق درستی نیست. اتفاقاً تعاونی‌ها باید با ابتکار و خلاقیت‌هایی که دارند اصل جریان ثروت کشور را در اختیار بگیرند. چگونه این اتفاق باید بیفتد؟ بر اساس نظریه تعاون در اسلام کاملاً این امر پذیرفته شده است و راهکار دارد.

**– تعاونی‌های اعتبار و نقش و جایگاه آن‌ها نسبت به بانک‌ها:** خیلی مواقع، بسیاری از افرادی که دارند در عرصه تعاون فعالیت می‌کنند یا قانون می‌نویسند، به تفاوت تعاونی اعتبار با بانک‌ها توجه ندارند. بسیاری مواقع خود مسئولین بانک‌های تعاونی هم توجه ندارند که اصلاً چرا ما رفتیم دنبال تعاونی‌های اعتبار و تعاونی‌ها به دنبال بانک‌ها نرفتند؟ یک بحثی هست که نظام سرمایه‌داری می‌گوید "پول، پول، پول می‌آورد و سرمایه، سرمایه". به تعبیر ما طلبه‌ها این اخبار نیست، انشا است. یعنی پول باید پول بیاورد و سرمایه باید سرمایه بیاورد. دو نهاد برای این منظور طراحی کردند. یکی نهاد بانک برای "پول، پول، پول بیاورد"

و نهاد بورس برای "سرمایه، سرمایه بیاورد". اساساً تعاونی‌ها باید از این‌نوع شعارها و نهادهایی که برای تحقق این شعارها تاسیس شده‌اند فاصله بگیرند. ماهیت تعاونی‌ها نابود خواهد شد. لذا با رسالت خاصی که برای تعاونی‌ها تعریف می‌شود رفتند به دنبال تعاونی‌های اعتبار، که درست هم هست. چند وقت پیش یک پایان‌نامه‌ای بوده که بنده، مشاور و رییس بورس، استاد راهنما بود. تلاش کردیم که بتوانیم تعاونی‌ها را به بورس عرضه کنیم. در جلسه دفاعیه بنده برایشان کاملاً استدلال کردم که این کار اساساً با ماهیت تعاونی‌ها متفاوت است و سعی کردیم این مسأله را تقریباً تبیین بکنیم.

– **تامین سرمایه تعاونی‌های تولیدی و نسبت تعاونی‌ها با بازار سرمایه و بورس:**

– **چگونگی قطع واسطه‌ها بین تولید و توزیع و جلوگیری از اشتغال کاذب:** بعضی‌ها این شعار را می‌دهیم، اما سیستمی که باید این اتفاق بیفتد چیست؟ اساساً واسطه‌گری کارش همین است که واسطه‌ها را زیاد کند. این که با شعار نمی‌شود. تعاونی‌ها چه کار باید بکنند؟ از ناحیه اصل خاصی است؟ از ناحیه نوع مالکیت است؟ ارتباط بین تولید و توزیع باید بر اساس چه سیستم مالکیتی باشد تا این اتفاق بیفتد؟

– **معيار نقش اعضا در ميزان مدیریت بر اساس سرمایه یا معيار دیگر:** این بحث، خیلی بحث مهمی است. الان در تعاونی‌ها با مسامحه از این می‌گذرند. ما معتقد هستیم که می‌شود از "هر عضو یک رای" عدول کرد بر اساس تجربه و سابقه، اما بر اساس معيار اسلامی به هیچ وجه نمی‌شود بر اساس میزان سرمایه از "یک عضو یک رای" عدول کرد و بگوییم هر کس سرمایه بیشتر آورد باید حق رای بیشتری داشته باشد. این منطق، تعاونی‌ها را نابود خواهد کرد. اما بر اساس معیارهای دیگری که جایگاه انسان را در برابر سرمایه ارتقا می‌بخشد قابل قبول است. میزانش را دیگر من این‌جا بحث نمی‌کنم، در کتاب مطرح شده است و تکلیف این قضیه را آن‌جا روشن کرده‌ایم.

– **شاغل بودن تمام صاحبان سهم یا جواز صاحب سهم بودن بدون شاغل بودن:** این که آیا تمام صاحبان سهم باید شاغل باشند یا نه آیت الله شهید بهشتی با ابهام از آن می‌گذرند و بیانی دارند، ولی به نظر ما می‌شود از این قضیه بر اساس یک معیاری گذشت که فلسفه و ماهیت تعاونی‌ها باقی بماند.

– **تحلیل محدودیت سود سهام:** مستحضر هستید کسانی که در تعاونی‌ها فعالیت می‌کنند علاوه بر دستمزد، یک سود سهام می‌گیرند و یک مازاد برگشتی هم به آنها تعلق می‌گیرد. چطور می‌شود سود سهام را محدود بکنیم و نگوییم بعضی از هزینه‌ها تماماً برای صاحب سرمایه

باشد؟ در اسلام یک منطقی دارد که آن‌جا ما سعی کرده‌ایم این مسأله را حل کنیم.

– **چگونگی توزیع سود در تعاونی‌های توزیعی، تولیدی و تلفیقی:**  
سود میان اعضا چطور و بر چه ملاکی باید توزیع و تقسیم شود؟ این یکی از ابهاماتی است که بر اساس نظریه تعاون در اسلام کاملاً قابل حل است.

– **معیار در توزیع مازاد برگشتی در تعاونی‌ها:** راه‌های مختلفی را گفته‌اند و ما بر اساس معیاری که داریم جایگاه انسان و نیروهای فعال حقیقی نسبت به سرمایه را تحلیل و روشن کرده ایم که بهترین راه چه راهی باید باشد.

بعد از دیدگاه آقای شهید بهشتیر اساس مبانی اسلامی، تقریباً کار جدی در نظریه تعاون از دیدگاه اسلام در جمهوری اسلامی ایران نمی‌بینیم. لاقلاً بنده ندیده‌ام. از سال ۱۳۸۷ تا به الان که حدود ۱۰ سال مستمر حوزه کاری من روی تعاون از دیدگاه اسلام است ندیده‌ام. در سال ۸۸ وزیر تعاون وقت تماسی گرفتند با مدیر حوزه‌های علمیه ایران حضرت آیت‌الله بوشهری. ایشان فرمودند که رهبری می‌فرمایند بن‌بست‌شکن اقتصاد ما، تعاونی‌ها هستند؛ تعاونی‌ها را تقویت کنید؛ از دیدگاه‌های علمای حوزه استفاده بکنید. ایشان هم آمدند قم. یک

جلسه‌ای بود. ما هم شرکت کردیم و از آن سال بندها بردند به قسمت "تعاونی در اسلام". به هر حال من وارد این بحث شدم و حدود ۶ ماه فقط مطالعه می‌کردم. آمدم خدمت دوستان در وزارت تعاون و خیلی به من کمک کردند و کتاب‌های بسیاری را در اختیارم قرار دادند که الان همه این کتاب‌ها در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه است. در این ۶ ماه حتی یک جمله ننوشتیم، فقط می‌خواستیم ببینیم که گره کار ما و مسیر ورود ما کجاست.

دوستانی که اقتصاد خوانده‌اند مستحضر هستند ما یک تابع تولید داریم  $Q=F(L,K)$ ، که البته در کتاب‌های اقتصادی  $K$  و  $L$  می‌نویسند که این هم خودش یک منطق ارزشی دارد. یعنی همه تولیدات ما ترکیبی است از دو عامل سرمایه، اعم از سرمایه نفتی و غیرنفتی و نیروی کار، اعم از ماهر، نیمه‌ماهر و نیروی کار ساده. پرسشی که این‌جا پیش می‌آید آن است که سرمایه چه میزان در تولید نقش دارد و به دنبال آن، چه سهمی از محصول تولیدی به سرمایه و مالک آن اختصاص می‌یابد؟ همین پرسش درباره نیروی کار نیز مطرح است. نظام سرمایه‌داری به این پرسش به گونه‌ای جواب می‌دهد، نظام سوسیالیستی به یک نحو دیگر و نظام اسلامی هم به یک نحو دیگر.

نظام سرمایه‌داری می‌گوید نیروهای کار، عمله و اجیر هستند و باید به یک دستمزد حداقلی اکتفا کنند و مازاد دستمزدهای حداقلی،

سهم سرمایه و صاحب سرمایه است. نظام سوسیالیستی هم به یک نحو دیگر وارد شده و می‌گوید سرمایه عقیم است و باید همه آن را نیروی کار ببرد و نماینده نیروی کار هم دولت سرمایه سالار است. از دیدگاه اسلام، سرمایه عقیم نیست، بلکه به میزان نقشی که در فرایند اقتصادی دارد باید بهره‌مند شود. اما سرمایه باید در خدمت نیروهای فعال حقیقی که نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و ساده هستند باشد. زمانی این اتفاق می‌افتد که فرایند مدیریتی، در نیروهای کار دخالت داشته باشد. زمانی این مسأله اتفاق می‌افتد که نوع مالکیت خاصی را در تعاونی‌های تولیدی، توزیعی و تلفیقی تعریف کرده باشیم. لذا اسلام بر اساس این دیدگاه، نه با دولت‌سالاری اقتصادی موافق است و نه با سرمایه‌سالاری نظام سرمایه‌داری، بلکه منطق اسلام، مردم‌سالاری اقتصادی دینی است، که تعاونی‌ها یکی از بخش‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی هستند. حالا این منطق بر اساس چیست؟ بر اساس آیات قرآن.

مدتهاست بنده تلاش می‌کنم که به دنبال اسلام عملیاتی باشم. اسلام منبری خیلی خوب است و باید در جای خودش از آن استفاده شود و بلکه اسلام عملیاتی مبتنی بر اسلام منبری است و خیلی خوب هم هست، من نمی‌خواهم جایگاهش را تضعیف کنم؛ بلکه تلاش می‌کنم مبانی اسلامی را تبدیل به قانون و عملیات بکنم. در ادامه عرض خواهم کرد که قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران سه بار به دست ما

رسید و هر سه بار تقریباً منتفی شد و جریانش گرفته شد. من بر اساس این آیات، نظریه تعاون و مالکیت و مدیریت و ارتباط بین توزیع و تولید را بیان کرده‌ام. این پرسش مطرح است که مردم‌سالاری اقتصادی دینی از کجا ناشی شده است؟ ما در آیات قرآن داریم که انسان اشرف مخلوقات است (مومنون، ۱۴)، جانشین خدا در زمین است (انعام، ۱۶۵)، حفظ کرامت انسانی مورد تأکید است (بنی‌اسرائیل، ۷۰)، انسان مسجود ملائکه است (بقره، ۳۴) و تمام نعمت‌های الهی برای انسان آفریده شده است (بقره، ۲۹). این را چگونه باید در عرصه اقتصادی نهادینه بکنیم؟ در عرصه سیاسی چگونه باید نهادینه بکنیم؟ در عرصه اجتماعی و فرهنگی چگونه باید نهادینه بکنیم؟ چطور می‌شود که انسان اشرف مخلوقات باشد و بعد جریان اقتصادی کشور ما بعد از ۴۰ سال انقلاب این‌گونه باشد؟ البته جمهوری اسلامی ایران انصافاً گام‌های بزرگی را در خدمت به محرومین و مستضعفین برداشته است و دارد بر می‌دارد، اما وقتی ساختار اقتصادی فقرزا باشد، وقتی سرچشمه مشکل حل نشود، خود به خود شما هرچقدر هم حکومت بکنید همچنان فقر در جامعه ریشه‌کن نمی‌شود.

در این آیاتی که بنده عرض کردم هیچ انسانی تخصیصی نسبت به سایر انسان‌ها ندارد. همه انسان‌ها اشرف مخلوقات هستند، همه انسان‌ها باید کرامت‌شان حفظ شود، همه انسان‌ها باید مسجود ملائکه



باشند، همه انسان‌ها باید از ثروت جامعه بهره‌مند باشند و نه اندکی. این یک سیستم می‌خواهد، یک مدل می‌خواهد. ما تعاون را بر اساس مبانی، اهداف و اصول مدل‌های اقتصاد تعاونی استخراج کردیم و به صورت تطبیقی با نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی، در ادامه دیدگاه‌های شهید بهشتی در جمهوری اسلامی ایران ارائه دادیم.

بعد از این، سه لایحه تعاونی مطرح شد: یک لایحه را در سال ۱۳۸۹ دولت قبلی ارائه دادند. این لایحه از طریق مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی که در قم هست به دست بنده رسید و من آن را مورد مطالعه قرار دادم. البته این مرکز - غیر از مرکز پژوهش‌ها است؛ چون آن‌جا بحث‌های فقهی را می‌آورند بررسی می‌کنم. آن‌جا دیدم که اگر واقعاً این لایحه تبدیل به قانون شود، خود این لایحه تعاونی را نابود خواهد کرد. مواد و اصولی را آوردند که من دقیقاً استشهاد کردم و آدرس دادم که اگر این مواد و لایحه تصویب شود تعاونی‌ها در جمهوری اسلامی ایران نابود خواهند شد. سپس خودم شروع کردم یک فصل را بازنگری کردم و فرستادم کمیسیون اجتماعی. متأسفانه اقتصاد تعاونی ما بیشتر در کمیسیون اجتماعی مجلس بررسی می‌شود و کمیسیون اقتصادی، فرعی است. آن‌جا بررسی کردند و آن لایحه منتفی شد.

در سال ۱۳۹۲ لایحه دیگری را دولت ارسال کردند که به دست ما رسید. لایحه وظایف و اختیارات وزارت تعاون بود. آن‌جا من یک دلیلی

آوردم که شما باید اول قانون تعاون را بنویسید و بعد وزارتخانه ببیند برای اجرای قانون چه وظیفه‌ای دارد. شما هنوز قانون را ننوشته‌اید وظایف را تعریف کرده‌اید. سپس موادی هم آوردم و گفتم حتی اگر هم بپذیریم، موادی این‌جا هست که اگر تصویب شود تعاونی‌ها از ماهیت و حقیقت خودشان تهی می‌شوند. جلوی آن هم گرفته شد.

در سال ۱۳۹۵ زمانی که جناب آقای ربیعی بودند لایحه‌ای را فرستادند قم. ما کارگروهی تشکیل دادیم و آن را بررسی کردیم و بنده خودم یک متنی نوشتم و گفتم این مواد قانونی که این‌جا آورده‌اید اگر تبدیل به قانون شود باز تعاونی‌ها را نابود خواهد کرد. جلوی این هم گرفته شد.

چند ماه پیش بالاخره از طریق کمیسیون اجتماعی مجلس تماس گرفتند که بیاید یک آسیب‌شناسی بکنید و ببینید مشکل ما در تعاونی‌ها چیست؟ مشکل قانون ما چیست؟ اصولی را بگویید که ما بر طبق آن اصول بتوانیم قانون را متناسب با شرایط موجود بازسازی و بازنگری کنیم. ما این کار را در حد یک جزوه کردیم و خدمت آقایان دادیم که تا الان هنوز خبری نداریم.

اساساً تعاونی‌های واقعی براساس تفکر سکولار محال است. ما در کتاب‌های تاریخ و عقاید اقتصادی، تعاونی‌های واقعی نمی‌بینیم. هر تعاونی که می‌بینیم، تعاونی سوسیالیستی است. سوسیالیست‌ها هم که

آمدند و تعاونی‌ها را خراب کردند. تعاونی واقعی از جریان یک مجموعه متدینین مسیحیت در ۱۸۴۴ شکل گرفت. در کتاب‌های تاریخ عقاید اقتصادی نظام سرمایه‌داری، اساساً نشانی از تعاونی واقعی نیست. هر تعاونی واقعی اگر واقعا بخواهد شکل بگیرد جز براساس مبانی توحیدی و الهی ممکن نیست. اگر در جای خودش فرصت باشد توضیح می‌دهم که اگر به دنبال تعاونی‌های واقعی باشید غیر از ادیان ابراهیمی که اکملش دین اسلام است، به دنبال تعاونی واقعی بودن محال است. برخی از تعاونی‌هایی که بر اساس کاتولیک مسیحیت طراحی شده‌اند و من در این کتاب داستان‌شان را آورده‌ام والان موفق هستند، در بحران ۲۰۰۸ رشد ۶ درصد خودشان را حفظ کردند و حتی یک کارگر هم اخراج نکردند؛ دقیقا همان آرمان‌هایی‌ها که ما در اسلام داریم. یک کشیش مسیحی آمد و مراتب نازل‌اش را برای تعاونی‌ها محقق کرد. من وقتی او را دیدم آموزه‌های اجتماعی، اخلاقی، اسلامی را دیدم حسرت خوردم که چرا ما با وجود این همه آموزه‌های بسیار مترقیانه، نمی‌توانیم این را عملیاتی بکنیم.

به هر حال من یک برنامه‌هایی را برای تکمیل راه تعاونی در جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌دهم. مزیت نسبی مادر دنیا، تعاونی از دیدگاه اسلام است. اگر ما بتوانیم نظریه تعاون بر اساس اسلام را درست طراحی بکنیم و ببریم در بدنه قانون‌گذاری و نهادینه کنیم، یکی

از مزیت‌های بزرگ جمهوری اسلامی ایران را شکل داده‌ایم. پیشنهاد‌های من برای این جمع فرهیخته و وزارت تعاون بدین قرار است:

- ۱- بازنگری قانون تعاون تحت نظر کمیته‌ای متشکل از کارشناسان تعاونی و فقهی.
- ۲- برگزاری کارگاه‌های علمی در موضوع اقتصاد تعاونی از منظر اسلام برای کارشناسان تعاونی در سطوح مختلف. (گفت و شنوده‌های علمی).
- ۳- اجرای طرح‌های آسیب شناسی اقتصاد تعاونی ایران و ارائه راهبردها و راهکارها برای تغییر وضعیت موجود.
- ۴- طراحی مجله علمی- پژوهشی تعاون.
- ۵- توسعه مطالعات تعاونی‌های موفق دنیا و استفاده از تجربیات علمی و عملی آن‌ها.
- ۶- تالیف کتاب درسی برای رشته تعاونی با رویکرد اسلامی در دانشگاه‌ها برای سطوح کارشناسی تا دکترا. البته "انتشارات سمت" این کار را برای مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد از بنده خواسته است. برنامه‌اش را داده‌ایم و امیدواریم که ان‌شاءالله دوستان هم کمک بکنند بتوانیم از تجربه اندیشمندان دیگر هم در این زمینه استفاده کنیم.

۷- تألیف کتاب فقه تعاون. اینزمینه و آمادگی الان در حوزه هست و خیز بزرگ‌گرا در بحث فقه اقتصادی برداشته است. افراد صاحب نظری هستند که می‌توانند در این زمینه کمک بکنند.

۸- تألیف آثاری برای تبیین اندیشه‌های تعاونی صاحب‌نظران اسلامی مانند آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی، امام خمینی، شهید بهشتی، شهید مطهری، مقام معظم رهبری و آیت‌الله جوادی آملی. آقای شاه‌آبادی کتابی دارند با عنوان "شذرات المعارف" که ما یک مقاله علمی- پژوهشی از آن درآورده‌ایم و داریم تحت عنوان الگوی اقتصادی آقای شاه‌آبادی تألیف می‌کنیم. من معتقد هستم تعاونگران واقعی نباید دنبال وزارتخانه و دولت باشند. ما تحت عنوان امتداد الگوی آیت‌الله شاه‌آبادی، مدل‌هایی را طراحی کرده‌ایم و یک جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی راه انداخته‌ایم. حدود ۴۰، ۵۰ تشکل مردمی که در سطح کشور دارای ظرفیت ملی هستند به عنوان مدل اقتصاد مقاومتی که مبتنی بر اندیشه‌های تعاونی آیت‌الله شاه‌آبادی است دنبال می‌کنیم. اگر وزارت تعاون واقعا بخواهد بیاید و کار کند تا اندیشه‌های شهید بهشتی را درست تبیین، تحلیل، اصلاح و تکمیل کنیم و ارتقا بدهیم و به عنوان یکی از اندیشمندان اسلامی، دیدگاه و نظریات ایشان را مطرح کنیم. الان در خصوص بخش خصوصی متداول، بین مراجع ما نظرات عجیبی

است. آقای شهید مطهری اولین کسی بودند که در این زمینه نظری داشتند که می‌گوید: "این بخش خصوصی متداول، مورد قبول اسلام نیست." حضرت آیت‌الله جوادی آملی هم می‌گوید: "بخش خصوصی متداول سرمایه‌داری، بین‌الغی است. یعنی ضلالت و گمراهی است." سپس خود ایشان نظریه پیشرفت کوثری را مطرح می‌کنند که نظریه‌ای بسیار عجیب و مبتنی بر مبانی اسلامی است. آقای شاه‌آبادی ۸۰ سال پیش بانک‌ها و ساختار اقتصادی موجود جامعه را نقد می‌کند و بعد بر اساس توحید عملی و توحید افعالی، مدل ارائه می‌دهد. در همین تهرانی که در آن زمان ۳۰۰ هزار نفر سکنه داشت ۵۰ هزار نفر عضوگیری می‌کند که مدل خودش را عملیاتی بکند. این مدل دقیقاً بر اساس اندیشه تعاون در اسلام بود که البته رضاشاه اجازه نداد.

۹- ترجمه دیدگاه‌های تعاونی صاحب‌نظران اسلامی به زبان‌های مختلف دنیا. بنده در جریان هشتم وزارت تعاون کتاب‌های زیادی را از آن طرف برای جمهوری اسلامی ایران ترجمه کرده است. کار ارزشمندی است و قابل استفاده است، اما رسالت ما برعکس است. ما باید اندیشه تعاون را براساس نظریه اسلام و براساس اندیشه‌های اندیشمندان بزرگ خودمان، کشف، استنباط، استخراج و تنظیم و ترجمه به زبان‌های دیگر بکنیم

و در جمهوری اسلامی ایران نهادینه بکنیم و ترجمه کنیم برای سایر صاحب‌نظران دنیا.

امیدوار هستیم با این پیشنهادهایی که عرض شد دوستان هم راهنمایی بفرمایند و بشود نظریه تا تعاون در ۴۰ سالگی انقلاب، یک حرکت و یک خیزی بردارد. هیچ راهی در این جنگ تمام‌عیار اقتصادی غیر از مدل‌های تعاونی وجود ندارد. اگر کسی خیال کند ما در ریل‌های نظام سرمایه‌داری که الان در آن قرار داریم و در درون نظام سرمایه‌داری می‌توانیم با تحریم‌های اقتصادی مقابله بکنیم و موفق شویم، خیال باطلی است. رهبری در سال ۹۶ خدمت اساتید فرمودند که اقتصاد مقاومتی این همه تلاش می‌شود پیش نمی‌رود، مشکل کجاست؟ همان جریانی که متأسفانه نوعی سرمایه‌داری را در جمهوری اسلامی ایران دارند تبلیغ و ترویج می‌کنند خود اقتصاد مقاومتی را هم تفسیر سرمایه‌داری می‌کنند. مردم بنیانی، عدالت محوری، دانش‌بنیانی، رویکرد جهادی، درون‌زایی، برون‌گرایی، مولد، پی‌ش‌رو، ال‌گوی الهام‌بخش از نظام اقتصاد اسلامی را تفسیر سرمایه‌داری می‌کنند. اگر تفسیر درستی هم بکنیم ریل‌های موجود اساساً اجازه نمی‌دهند که شما اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی‌اش که در مولفه‌هایش نهفته است نهادینه بکنید. ما نیازمند مدل‌های جدید برای تغییر ریل‌های موجود هستیم.

## دکتر مسلم خانی

بنده ۴۲ نکته را از فرمایشات آقای دکتر یوسفی یادداشت کردم. باور بنده بر این است که این‌ها مسائل مهمی است که در حوزه نظریه و در حوزه تئوری‌های تعاون باید به آن‌ها پردازیم. چند وقت پیش هم جلسه‌ای با رییس محترم حوزه علمیه قم و چند نفر از علمای برجسته حوزه برگزار شد. در آن‌جا هم این موضوع مطرح شد که قاعدتاً حوزه علمیه در تدوین و انتشار نظریه اقتصاد تعاونی باید پیشگام باشد. یکی از رسالت‌های حوزه‌ها به روز بودن و مجتهد محور بودن و اجتهاد محور بودن است که به تناسب شرایط روز بتوانند موضوعی را در جامعه مطرح کنند و برای آن راهکارهای فقهی ارائه بدهند. نکته بسیار مهمی که در صحبت‌های آقای یوسفی مطرح بود بحث نظام دستمزدها است. ما در در همین سالن تقریباً یک هفته دیگر جلسات مربوط به تعیین حداقل دستمزدها را داریم و نهایتاً یک عددی را به عنوان حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۸ اعلام می‌کنیم. رابطه بین نظام دستمزدها و الگوی مدیریت کسب و کار و الگوی حاکمیت سرمایه، موضوع بسیار مهمی است. این‌که ما چگونه باید در بحث تعیین دستمزدها اقدام کنیم که هم کرامت نیروی کار محفوظ بماند، هم اصالت سرمایه حفظ شود و هم موضوع بهره‌وری و مواردی از این دست اتفاق بیفتد. شاید مدل کسب و کارهای تعاونی که در آن، هم دستمزد وجود دارد، هم سود



سهام و هم سایر روش‌های مشارکت اقتصادی نزدیک‌ترین مدل به مدل‌های تکریم سرمایه انسانی باشد.

نکته مهمی که فکر می‌کنم لازم است به آن پردازیم آن است که اخیراً بحثی را آقای جوادی‌آملی مطرح کردند با عنوان اقتصاد کوثری در مقابل اقتصاد تکاثری که در صحبت‌های آقای دکتر یوسفی هم مطرح بود. نکاتی که در مورد اقتصاد کوثری مطرح شده و مولفه‌هایی که از این اقتصاد مطرح شده است به شدت به الگوی کسب و کارهای تعاونی نزدیک است. نکته مهم دیگر این که معمولاً در بحث بانکداری‌ها اگر دقت کرده باشید همیشه این موضوع مطرح می‌شود که نظام بانکداری در ایران ما آیا اسلامی است یا ربوی است؟ می‌گویند در نظام بانکداری ایرانی، بهره ۱۸ درصد و ۲۴ درصد را داریم؛ حال آن که در نظام بانکداری اروپایی، به طور میانگین نرخ بهره حدود ۱/۷ درصد است. جالب است بدانیم در تعاونی‌های اعتبار، بهره صفر درصد است. الان در خیلی از کسب و کارهای تعاونی که در حوزه اعتبار دارند کار می‌کنند بهره‌ای وجود ندارد. لذا نزدیک‌ترین مدل به بانکداری اسلامی و اقتصاد اسلامی، تعاونی‌های اعتبار هستند. البته در کشور ما آن‌طور که باید و شاید این مدل تبیین نشده است. یکی دو مورد سوء استفاده بزرگ از این عنوان و تیتتر تعاونی اعتبار صورت گرفته و در دسرهای زیادی را ایجاد کرده است.



## دکتر منوچهر یزدانی، مشاور وزیر در امور تعاون

موضوعی که سهم بنده شده است تبیین قوانین و مقررات تعاون است از ابتدا تا حالا و این که کجا کارآمد بوده، کجا کارآمد نبوده و چرا؟ البته این مباحث، همراه با تحلیل سیاست‌گذاری‌های عمومی در طول پیدایش تعاون در ایران تا امروز است. تاریخ تعاون را که نگاه می‌کنیم، اگر سال ۱۸۴۴ را سال مبدأ تشکیل اولین تعاونی به شکل امروزی آن در جهان در نظر بگیریم می‌شود ۱۲۲۳ شمسی، یعنی تقریباً حدود ۶۰ و خرده‌ای سال قبل از مشروطیت. تاسیس اتحادیه بین‌المللی تعاون را اگر در نظر بگیریم، یعنی سال ۱۸۹۵ را، می‌شود ۱۱ سال قبل از مشروطیت.

بعد از اتحادیه بین‌المللی تعاون، یک اتاق تعاون در سال ۱۹۲۱ در ILO درست شد که دقیقاً می‌شود سال ۱۳۰۰ شمسی. بعد از آن بود که تعاون کم‌کم وارد کشورهای جهان سومی مثل ایران شد. سال ۱۳۰۳ بالاخره یک کلمه تعاونی در ماده ۱۰۷ قانون تجارت آمد و بعد هم در قانون تجارتی که سال ۱۳۱۱ از فرانسه ترجمه شد، مواد ۱۹۱ به بعد به آن اختصاص یافت. بر این اساس تا سال ۱۳۲۰، یعنی قبل از پایان جنگ جهانی دوم، مادر آمارهای خود سه تعاونی بیشتر نمی‌بینیم که آن‌ها هم متعلق به شهرستان‌ها بود. اولین آن‌ها تعاونی روستایی بود که

در گرمسار و با دخالت دولت راه‌اندازی شد. یعنی اولین تعاونی‌هایی در ایران، با دخالت دولت شکل گرفت.

بعد از سال ۱۳۲۰، یعنی بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکایی‌ها یک استراتژی را دنبال کردند تحت عنوان استراتژی پیش‌گیری از نفوذ کمونیسم و سعی کردند در کشورهای هم‌مرز اتحاد جماهیر شوروی سابق تعاون را ترویج دهند؛ از جمله در ایران، ترکیه و بعضی از کشورهای هم‌مرز مثل کشورهای اسکاندیناوی. البته تعاونی در کشورهای اسکاندیناوی از سال‌ها قبل توسط کشیش‌ها و برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم ترویج شده بود. یعنی در کشورهای اسکاندیناوی هم که ما پیشرفت تعاون را می‌بینیم، علمدارش کشیش‌ها بودند به خاطر پیش‌گیری از نفوذ کمونیسم. سپس اصل ۴ ترومن آمد. به خصوص بعد از برنامه عمرانی اول تا سال ۱۳۲۷ که یک کمیسیون تعاون در سازمان برنامه و بودجه درست شد و هیأت‌های مستشاری آمریکایی و فرانسوی از فائو و ILO آمدند و به برخی بورس تحصیلی دادند که بروند کارشناس تعاون شوند و بعد کم‌کم تعاون را بیاورند و ترویج کنند. در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰، یکی دو قانون تصویب شد؛ قانون کار ۱۳۲۵ و ۱۳۲۸ که بر اساس این‌ها هم تعدادی تعاونی شکل گرفت. مجموعاً در آمارها می‌خوانیم که تا سال ۱۳۳۰، حدود ۱۰۰ تعاونی تشکیل شدند که خیلی هم کارکردی نداشتند و عمدتاً یا

تعاونی مصرف بودند یا روستایی. تا سال ۱۳۳۲ زمان دکتر مصدق که لایحه اولین قانون تعاون به صورت مستقل تدوین شد و سه ماه بعد کودتا شد و عملاً دو سال بعد در مجلس تصویب شد.

بنابراین اولین قانون تعاون، مصوب سال ۱۳۳۴ است. این قانون هم فقط اصول مترتب بر تعاون را تشریح کرده است که چه خصوصی دارد و بقیه موارد را به اساسنامه‌هایی که دولت تهیه می‌کند ارجاع داده است. بحثی هم از حمایت از تعاونی‌ها و نظارت بر تعاونی و نحوه تعامل دولت و رابطه دولت با تعاونی در میان نیست. برآساس هم سعی شد یک تعداد تعاونی عموماً در روستاها گسترش پیدا کند.

در برنامه عمرانی اول زمان شاه، یک ردیف کمک اعتباری هم در بودجه‌های سالانه از آن به بعد پیش‌بینی شد تحت عنوان کمک به تعاونی‌های روستایی، اما خیلی شکل نگرفتند. یک صندوق تعاونی هم بانک کشاورزی درست کرد که مقر آن در شهرها بود اما آن هم شکل نگرفت؛ تا رسید به اصلاحات ارضی سال ۴۰ و ۴۱. آن‌جا دیگر بحث گسترش تعاونی‌ها که مطرح شد یک حالت اجبار پیدا کرد. یعنی مثلاً خان را می‌خواستند بیاورند در شهر صنعتی‌سازی بکنند، آن‌جا برای اداره کشاورزی کشور خلا ایجاد می‌شد. گفتند خود روستایی‌ها را بیاوریم سازماندهی و توانمند بکنیم و تعاونی‌ها را تشکیل دادند. ۷۰، ۸۰ درصد جمعیت کشور را روستایی‌ها تشکیل می‌دادند، سواد هم وجود

نداشت. شما روستایی بی‌سواد یا خیلی کم‌سواد را بیاورید در قالب تعاونی غربی؛ حالا بگویید هیأت مدیره چیست، اساسنامه چیست، مجمع را چگونه اداره کن. خب او متوجه نمی‌شود. به همین دلیل در همه تعاونی‌ها مدیر دولتی گذاشتند. یعنی کارشناسان وزارت کشاورزی شروع کردند به اداره کردن آن‌ها. بنابراین مردم اصلا حس نکردند که تعاونی وجود دارد. فقط می‌گفتند اگر می‌خواهید زمین بگیرید حتما باید بیاید در این تعاونی. جنس می‌خواهید از دولت بگیرید حتما باید بیاید در این تعاونی‌ها تا از طریق تعاونی توزیع شود. یعنی چیزی به نام احساس نیاز که بر اساس آن تعاونی شکل بگیرد وجود نداشت.

سال ۱۳۴۲ سازمان مرکزی تعاون روستایی تشکیل شد. سال ۱۳۴۶ سازمان مرکزی تعاونی کشور و تعاونی‌های شهری شکل گرفت. این سازمان موظف شد یک قانون جامع تعاون بنویسد که محصولش شد قانون شرکت تعاونی ۱۳۵۰. انصافاً هم قانون جامعی بود؛ چرا که همه چیز را مدنظر قرار داده بود؛ از اصول تعاون، مختصات آن، نحوه اداره آن و رابطه دولت با تعاونی‌ها گرفته تا بحث حمایت و چگونگی حمایت، چگونگی نظارت و ضمانت اجراهای نظارت. منتها رویکرد این قانون، مداخله‌گرانه بود. یعنی اگر تخلفی صورت می‌گرفت، دولت حق داشت که راساً اقدام کند و هیأت مدیره را برکنار و هیأت مدیره جدیدی به جایش بگذارد. همگی اشراف دارید که ماده ۱۴۶ است که اکنون از

نظر ما منسوخ شده، اما هنوز هم بعضی مانند سازمان مرکزی تعاون روستاییه آن معتقد است و اجرای آن می‌کند. بر اساس آن قانون، وزارت تعاون و امور روستاها شکل گرفت که سه سال بیشتر دوام نیاورد و منحل شد. سازمان تعاون روستایی رفت در وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و سازمان تعاون مرکزی هم رفت در وزارت بازرگانی. وزارت کار از همان سال ۱۳۲۸ یک سری تعاونی کارگری و مصرف داشته که بعد هم تعاونی‌های موسوم به تعاونی‌های کار و در واقع خویش‌فرمایی گروهی را ادامه داد. تا این که انقلاب شد.

در مجموع، رویکردی که قبل از انقلاب در بحث تعاون می‌بینیم بر اساس استراتژی آمریکایی‌ها، یعنی بحث پیش‌گیری از نفوذ کمونیسم بود؛ غافل از این که کمونیسم در کشوری مذهبی مثل ایران از طریق تعاونی پیش‌گیری نمی‌شود، چون به هر حال خود مردم اتوماتیک‌وار و به صورت نهادینه سراغ کمونیسم نمی‌رفتند. این که بخواهند روستایی‌ها را جایگزین خان کنند، خیلی شکل نگرفت. آمارهایی که از نظر درصد داریم عده‌های خیلی کمی است. برآورد که می‌کردیم شاید مثلاً ۰/۲ درصد از نظر ارزش افزوده یا اشتغال را که نگاه می‌کردیم - اگر واقعی باشد - حدود ۱/۴ درصد نسبت به تعاونی در می‌آمد.

در دنیا، برای سیر تطور تعاونی یک مقطع تاریخی وجود دارد. یعنی وقتی آمار ۳۰۰ تعاونی برتر جهان را که اتحادیه بین‌المللی تعاون

از سال ۲۰۰۴ به بعد دارد منتشر می‌کند نگاه می‌کنیم، می‌بینیم ۹۰ درصد این‌ها، تعاونی‌هایی بوده‌اند که قبل از دهه ۸۰ تاسیس شده‌اند و تقریباً ۵۰ درصدشان قبل از ۱۹۴۰، یعنی قبل از جنگ جهانی تاسیس شده‌اند؛ تعاونی‌های بزرگی که گردش مالی میلیارد دلاری دارند. تعداد کمی از آن‌ها یعنی حدود ۱۰ درصد هم بعد از دهه ۸۰ شکل گرفته‌اند. قبل از دهه ۸۰، فروپاشی اتحاد شوروی اتفاق نیفتاده بود. اما فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی سیاست غربی‌ها را تغییر داد و غرب روی تعاون تجدیدنظر کرد. سیاست‌هایی که برای پیش‌گیری از ورود کمونیسم در جهان دنبال می‌شد- که در اقتصاد می‌گوییم اقتصاد مداخله‌گرایانه- تبدیل شد به اقتصاد تنظیم‌گرایانه. تعاونی‌ها از این سال به بعد یک نقش تنظیمی در اقتصاد دنیا پیدا کردند. نقش تنظیمی دیگر دولت‌ها را اصالت نمی‌داد، اصل قرار نمی‌داد، بلکه یک سوپایی بود برای پیش‌گیری از شورش، رفع بحران و حمایت‌های موردی.

انقلاب ما سال ۱۹۷۹ بود؛ یعنی دقیقاً زمانی که جهان شروع کرد به تغییر رویکرد و کشور ما تعاون را برد در قانون اساسی. به خاطر چه؟ به خاطر این‌که تعاون، ۶۰ سال قبل از مشروطیت رخ داد و ما صد سال با تاخیر انجام دادیم. چون سیاست‌ها و سیستم کارشناسی ما عمدتاً تقلید از غرب است، منتها با تاخیر زمانی و بدون در نظر گرفتن مسائل فرهنگی و بسترهای لازم. در غرب اگر تعاونی‌ها شکل گرفتند



بسترش هم فراهم بود و به صورت خودجوش بود. دو عامل اصلی، یکی انقلاب کبیر فرانسه بود که فضای سیاسی را باز کرد، یکی هم بحث انقلاب صنعتی بود که فشار اقتصادی را روی گرده افشار متوسط به پایین زیاد کرد و این دو عامل منجر شد به توسعه تعاونی‌ها. کشیش‌ها و دولت‌ها هم به مرور حمایت کردند.

در ایران، اما، دلیل پیدایش تعاون در این‌ها نبود؛ در ترجمه قوانین بود، کاری هم به فرهنگ مردم نداشتند؛ زوری و قالبی می‌خواستند توسعه پیدا کند که شکل نگرفت. بعد از انقلاب، رویکرد برگشت. رویکردی که شهید بهشتی دنبالش بود این بود که مانه شرقی می‌خواهیم، نه غربی و نه سرمایه‌داری و نه سوسیالیستی، یک چیز بینابین می‌خواهیم. دیدیم تعاونی به این قضیه نزدیک است. کاش طبق فرمایشات آقای دکتر یوسفی آن زمان این نظریه تعاون اسلامی ترویج پیدا می‌کرد و تبدیل به قانون می‌شد که ما امروز این قدر چالش نداشته باشیم. ولی علی‌رغم این رویکرد، اولین تعاونی‌هایی که بعد از انقلاب راه افتادند تعاونی‌هایی بودند که شورای انقلاب آن‌ها را راه انداخت. بعد از تأسیس مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی، تعاونی‌های اشتغال یا کار بودند. اساسنامه‌ای که دولت وقت برای این‌ها نوشت بر اساس شرکت سهامی خاص بود و نه تعاونی. عنوان، تعاونی بود و اساسنامه، شرکت. منتها مشکل "هر عضو یک رای" را چگونه می‌خواستند رفع

کنند؟ گفتند سهام مساوی می‌دهیم. می‌خواهم بگویم الگویی که از شروع انقلاب برای تعاونی تدوین شد، حتی بر اساس قانون ۱۳۵۰ هم نبود.

سال ۶۲ با زور شورای انقلاب، تعاونی‌ها شکل گرفتند و محصولات ارزان قیمت ۴ درصد و ۶ درصد و قرض‌الحسنه داده شد که به یک باره موجب شد موجیاز تشکیل تعاونی شکل بگیرد. متوسط تشکیل تعاونی که قبل از انقلاب و بعد از سال ۵۰ حدود ۲۰۰ تعاونی بود، یک‌دفعه شد ۴ هزار مورد. یعنی آمار به طور ناگهانی، سال‌های ۵۹، ۶۰ و ۶۱ بالا رفت و بعد به مرور پایین آمد. سال ۶۴ یک‌بارهموجی ایجاد شد و سازمان تعاونی‌های معدنی شکل گرفتند. جنگ که شد موج تشکیل تعاونی‌های مصرف شکل گرفت. قانون زمین شهری آمد. بحث واگذاری اراضی به تعاونی‌ها شکل گرفت. تعاونی‌های مسکن شکل گرفتند. شیلات ایجاد شد. تعاونی‌های صید و صیادی رشد کردند. هر دسته از تعاونی‌هایی که امروز می‌بینیم یک منشأ قانونی دارد و یک دلیل سیاست‌گذاری که بیشتر رفاهی بوده و مبتنی بر بحث‌های عدالت و بر اساس دخالت دولت. تعاونی‌ها هم خودشان به صورت ابزار دولت عمل می‌کردند و آن هویت خاص خودشان را نداشتند. به مرور متوجه شدیم عملاً ۶ سازمان متولی تعاونی‌ها هستند و هیچ انسجامی هم وجود ندارد.

اولین قانونی که سال ۷۰ تصویب شد مجلس اول نوشته شد تقدیم مجلس شد. مجلس دوم کلیاتش تصویب شد؛ مجلس سوم جزئیاتش و تقریباً ۲۸ بار رفت و برگشت به شورای نگهبان داشت. آن زمان هم مثل الان نبود که قانون دو بار برود و بیاید و بعد برود مجمع تشخیص مصلحت. بیست و هشت بار رفت و برگشت به شورای نگهبان داشت، چرا؟ چون می‌گفتند تعاونی‌ها شرقی نیستند. بعداً استفتای حضرت امام روی ۱۸ سوالی که مطرح شد قضیه را حل کرد که شورای نگهبان بتواند جمع‌بندی کند. به همین دلیل هم قانون سال ۷۰ به شدت ناقص، به شدت مشکل‌دار و به شدت بی‌هویت بود. اصلاً هویتی برای تعاونی‌ها تعریف نکرده و خیلی بدتر از قانون ۵۰ است. تعاونی‌ها بعد از انقلاب به این صورت شکل گرفتند؛ یعنی بدون هویت مشخص.

سال ۷۰ هم که منسجم شد و وزارتخانه آمد و یک جهش چند برابری در آمارها اتفاق افتاد. شما مجسم بکنید تعاونی که هنوز هویت درستی ندارد یک باره گسترش پیدا کرد. سیاست‌ها هم تغییر کرد. دهه اول انقلاب، دوران سیاست‌های رفاهی بود؛ یعنی از زمانی که شروع کردیم به برنامه‌نویسی سیاست تعدیل اقتصادی و سیاست خصوصی‌سازی، آن هم در کشوری که سیستم اقتصادش رانتهی است. رانت از دو حال بیشتر نیست، یا باید به شرکت‌های دولتی بدهید که توزیع شود بین همه مردم، یا بدهید به خصوصی و بین یک عده خاص

توزیع شود. هر عقلی می‌گوید اگر در قالب تعاونی توزیع کنید حداقل بین تعداد بیشتری از مردم توزیع می‌شود. بدین ترتیب، نه شرکت‌های دولتی را بزرگ کرده‌اید و نه یک عده خاص دیگر. اگر قرار باشد اقتصاد رانتی کارکرد داشته باشد، هر عقلی می‌گوید راهش تعاونی است.

از سال ۱۳۷۱ به بعد که وزارتخانه تشکیل شد، سیاست دولت عوض شد. سیاست کلی منسجمی وجود نداشت. مسأله به رهبری منتقل شد، بعد بحث اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی مطرح شد. البته ایشان سال ۷۷ در سخنرانی‌شان گفتند که من می‌خواهم ۱۰ برابر شود؛ بروید روی هویت تعاونی کار بکنید، روی نظریه‌پردازی تعاون کار بکنید. اما نه در وزارتخانه و نه در حوزه‌های علمیه کاری صورت نگرفت.

سال ۸۲، ایشان به مجمع تشخیص مصلحت ابلاغ دادند که یک سیاست کلی برای بخش تعاون تدوین بکنید که با تغییر دولت‌ها این موضوع تغییر نکند و در واگذاری‌ها هم به تعاونی‌ها اولویت بدهید. نماینده دولت، نماینده وزارتخانه در جلسات مجمع تشخیص نیامدند. بیست جلسه کمیسیون و ۶ جلسه صحن علنی. میانگین مسئولین کشور از نظر نظریه، چپ، راست، اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، میانه‌رو، همه در آن‌جا جمع بودند. اما نگاه کردیم دیدیم که یکی دو نفر بیشتر موافق نداریم در این جمع ۳۰ نفره، همه مخالف هستند. یک دسته می‌گفتند تعاونی را آمریکایی‌ها آورده‌اند و دسته‌ای دیگری گفتند تعاونی، سوسیالیستی

است. گفتیم حالا حداقل شما ۲ درصد با هم تفاهم بکنید که امریکایی است یا سوسیالیستی که ما تکلیف خودمان را بدانیم. اطلاعاتی از تعاونی‌های موفق در جهان جمع کردیم گفتیم تعاونی‌های موفق هم وجود دارند، از ما قبول نکردند. گفتند این‌ها ساختگی است. گفتیم خودتان تحقیق کنید؛ فایده‌ای نداشت.

به هر حال با تاخیر خیلی طولانی، مطلب را که می‌خواستند بنویسند رهبری تذکر دادند که چرا این قدر طول کشیده است. می‌خواهم بگویم مخالفت نظری راجع به بحث تعاون این‌گونه بود که رهبری تذکر دادند. رهبری در سیاست‌های کلی نوشته بود که در واگذاری‌ها اولویت را به تعاونی‌ها بدهید. چرا؟ چون گفته بود اگر شما بخواهید خصوصی‌سازی را از بخش خصوصی شروع بکنید مردم منفجر می‌شوند. بدنه جامعه اول باید مشروعیت خصوصی‌سازی را حس بکند. برای این که حس کند این‌ها را در قالب تعاونی‌ها اولویت بدهید و سهامدارشان بکنید. مجمع این را نپذیرفت؛ کلمه اولویت را هم حذف کرد و داد به رهبری. ایشان بعداً اضافه کردند سهم حداقل به ۲۵ درصد برسد. منابع را هم تامین کردند و گفتند پس واگذاری‌هایی که صورت می‌گیرد ۳۰ درصد منابع را در اختیار بخش تعاون بگذارید و یک بانک هم درست کنید. یعنی این پول را در قالب وجوه اداره شده در آن بانک‌گذارید تا هم مشکل نقدینگی تعاونی‌ها برطرف شود و هم رونق و

گسترش پیدا بکنند. دریغ از یک دینار که دولت نهم و دهم اختصاص دهد. یعنی ۳۰ درصد را آن زمان برآورد کردند حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان. به نرخ سال ۸۴، سی هزار میلیارد تومان چقدر می‌شد؟ یک دینار هم اتفاق نیفتاد. متأسفانه دولت آقای روحانی هم همین مسیر را ادامه داد. حالا اخیراً قول‌هایی داده‌اند که ما ادعا کرده‌ایم ۱۷ هزار میلیارد تومان طلبکار هستیم؛ شاید یک فرجی بشود. به صورت قطره‌چکانی یک اتفاق‌هایی دارد می‌افتد، ولی سیاست، تغییر نکرده است. منظورم این است که هر چند امروز ما دیگر سیاست بلندمدت داریم، اما دولت‌ها، چه اینطرفی و چه آنطرفی، در رابطه با بحث تعاون به جمع‌بندی نرسیده‌اند و یک حالت بی‌تفاوتی دارند. سیر تطور تعاونی‌ها هم نشان می‌دهد هر جا دولت دخالت کرده، تعاونی‌ها گسترش پیدا کرده‌اند و هر جا دولت کنار کشیده، این اتفاق نیفتاده‌است.

در غرب می‌بینیم که ۳۰۰ تعاونی برتر هستند. من رفته‌ام از نزدیک تاریخچه‌شان را در سایت‌های آن‌ها نگاه کرده‌ام. در واقع موسسین اولیه آن‌ها اکثراً یا کشیش‌ها بوده‌اند و یا سلبریتی‌ها که مردم به آن‌ها اعتماد کردند و بر اساس اعتماد عمومی با تعداد زیادی از مردم این تعاونی‌ها تشکیل شدند. احزاب هم مثل سوسیالیست‌ها و غیره حمایت کردند. یک راهبرد بلند مدت هم در دولت‌ها بوده و این‌ها ماندگار شدند. این‌جا ما این‌ها را نداریم. نه احزاب را داریم، نه خط‌مشی

اقتصادی مشخصی را و نه احترام می‌گذاریم به سیاست‌های کلی نظام. هویت تعاون هم که مخدوش است. امروز در کشور بحران است. در شرایط بحران اقتصادی که بخش خصوصی نمی‌آید سرمایه‌گذاری کند. واضح است وقتی بخش خصوصی در شرایط این‌گونه، امکان سرمایه‌گذاری ندارد، از دو حال خارج نیست: یا دولت باید بزرگ بشود یا شما باید رانت توزیع کنید به یک عده خاص. این جا هم می‌گوییم دولت بیاید تعاون را محور قرار دهد، شرطش این است که قانون را اصلاح کند. قانون را اصلاح کند یعنی چه؟ بر اساس فرمایشات آقای یوسفی یعنی هویت تعاونی را در قانون مشخص کند. یک نظارت درست و حساسی بگذارد برای نظارت داخلی و نه نظارت بیرونی که مشخص شود این هویت حفظ می‌شود و اعتماد بکنند بر اساس این قانونمندی و آن نظارت و ساماندهی‌اش برای نظارت و یک سری رانت‌ها.

منظورم از رانت این است که الان دولت در شرایط این‌گونه بحرانی و اقتصاد بسته، هر اقدامی در اقتصاد بکند رانت ایجاد می‌شود. بحث ارز ۴۲۰۰ تومانی و توزیع گوشت و غیره را می‌بینید که چه اتفاقی در جامعه افتاده است. مگر نمی‌شود این‌ها را از طریق تعاونی‌های مصرف حداقل کارگری و کارمندی اقدام کرد. چشم‌ها را می‌بندند؛ گوش‌ها را می‌بندند تا به هر طریقی این اتفاق نیفتد. چرا؟ چون ما ویتترین خوبی از تعاونی‌ها ارائه نداده ایم. نتوانسته ایم اعتماد

مردم و مسئولین را جلب کنیم. خوب هم ترویج نکرده‌ایم. نه توانسته ایم هویت تعاون را خوب بشناسانیم و نه تعاونی موفق را. به هر حال کاری نکرده ایم که اعتماد مسئولین، کارشناسان و حتی مردم جلب شود تا تعاونی - اگر هم دولت دخالت نکند - خودش خودجوش راه بیفتد. مردم احساس نیاز به این‌ها نمی‌کنند که بیایند سراغ تعاونی. البته باز هم خدا را شکر! بالاخره عملکردی در حد این همه قانون به نفع تعاون داشته‌ایم! به هر حال ۲۰۰ هزار تعاونی تشکیل شده است که حداقل ۱۰۰ هزار تای آن‌ها فعال هستند و ۶ درصد اشتغال کشور به این‌ها برمی‌گردد و یک خدماتی را به مردم می‌دهند. در این حد هست، ولی به حدی که این همه قانون وضع شود و وزارتخانه تأسیس شود نیست.

سهم ۲۵ درصد. چرا سهم ۲۵ درصد؟ برای این که آن قدر بدنه جامعه در قالب تعاونی شکل بگیرد و توانمند شود که قشر متوسط ساخته شود. یعنی ارتقای درآمدی، ثروتی و دارایی پیدا بکنند؛ توانمند شوند و بتوانند رو به جلو پیش بروند. راهش فقط همین است. باید قانون اصلاح شود؛ هویت تعاونی مشخص شود؛ ضمانت اجراهای نظارت - ولو نظارت داخلی - معلوم شود؛ اعتماد دولت جلب شود و ما هم بتوانیم ویتترین درستی از شبکه تعاونی - حداقل از تعاونی‌های موفق، چه داخلی و چه خارجی - ارائه بدهیم. دولت هم گفته است که اگر شما یک ویتترین درستی از انواع تعاونی هایتان ارائه بدهید ما این را در دستور کار قرار



می‌دهیم. ولی الان ما هر کمکی که بخواهیم بکنیم می‌ترسیم. برای این که خودمان درگیر هستیم. فک و فامیل‌ها تعاونی دارند، اما هویت تعاونی در آن‌ها نیست. تعاونی ۷ نفره را نگاه می‌کنید می‌بینید در واقع یک نفر است، صوری می‌گویند ۷ نفره. اگر قرار باشد به این‌ها پول بدهیم که هویت تعاونی مخدوش باشد، خب بهتر است بدهیم به بخش خصوصی کوچک‌تر، چرا به این‌ها بدهیم؟ یا تعاونی‌های اعتبار را به جای این که حداقل به سبک اروپایی، همه کسانی را که سپرده می‌گذارند عضو تعاونی کنیم، می‌آییم تعاونی اعتبار ۷ نفره درست می‌کنیم. می‌شود همین داستانی که فرشتگان و غیره و ذالک اجرا کردند و می‌شود ویتترین منفی برای تعاونی‌ها. آنوقت هم مردم بی‌اعتماد می‌شوند و هم نظام. پس دیگر برای چه باید تعاونی اعتبار درست کنیم؟ همینطوری هم بانک مرکزی در برابر هر چیزی که اسم تعاونی رویش است مقاومت می‌کند. اگر توانستیم یک ویتترین مثبت و درست و حسابی از تعاونی ارائه بدهیم، آن وقت می‌توانیم اعتماد را جلب کنیم و امیدوار باشیم به رشد بخش تعاونی.

## پرسش و پاسخ:

- **جناب آقای محمودی:** بنده ۲۳ سال است که دارم در بخش تعاون فعالیت می‌کنم، در کسوت دولتی، به عنوان مدیر تعاونی، در دانشگاه؛ همه دارند اشاره می‌کنند به یک چیزهایی و امروز هم چیزهایی که شنیدیم، با کمال احترام خدمت دوستان، برای من یا خیلی از دوستانی که این‌جا حضور دارند خیلی تازگی نداشت. شاید اگر قرار بود امروز با مشارکت‌جویی شرکای اجتماعی‌مان این جلسه برگزار شود امکان داشت برای آن‌ها تازگی داشته باشد. امروز من چه از استان‌ها و چه از مرکز، بیشتر از سه مجموعه تعاونی ندیدم که حضور داشته باشند. امروز بیشتر گفته‌ها متوجه تعاونی‌ها است؛ در حالی که باید صحبت‌هایمان دو سویه و با مشارکت‌جویی آن‌ها باشد، اما این‌گونه نبود. بحث دوم پرسشی است از آقای دکتر رزاقی که مستقیماً از خود ایشان می‌پرسم. شما اشاره‌هایی داشتید که نمی‌گذارند، چه کسانی نمی‌گذارند؟ چه کسانی یا چه گروه‌هایی منفعت می‌برند از این که تعاونی‌ها نباشند؟ دیگر این که به عقیده بنده امروز دولت از روی ناچاری است که آمده سمت تعاونی‌ها، نه از روی دل‌خواهی؛ چیزی که آقای مهندس یزدانی هم اشاره کردند.

- **جناب آقای دکتر شهریور:** کسی که حمایت کرد بحث تعاون در قانون اساسی بیاید شهید بهشتی بود. یعنی همه ما می‌گوییم شهید بهشتی. من فقط دو جمله از شهید بهشتی را می‌خوانم. ایشان می‌گوید

بحث اقتصاد تعاونی که در عصر ما و در جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته، در حقیقت بر همان پایه‌هایی استوار است که امروز در جوامع مختلف در رابطه با اقتصاد تعاون گفته می‌شود. یعنی در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی لزومی ندارد چیزی به آن اضافه کنیم و بیافزاییم. اصل مطلب آن است که این چیزی که شهید بهشتی می‌گوید همان است و در ادامه هم همه مثال‌ها را زده است. فقط آخرش موضوعات فقهی در رابطه با مالکیت و غیره را مطرح می‌کند. من فکر می‌کنم تنها مشکلی که در این حوزه داریم این است که فاصله گرفته ایم از اصول و ارزش‌های بین‌المللی تعاون و دنبال این هستیم که یک چیز جدیدی ابداع کنیم. یعنی یک نظریه جدید می‌خواهیم ارائه بدهیم. از ۷۰ تعاونی که ما به طور میدانی هفت اصل بین‌المللی تعاون را تحقیق کردیم از امتیاز ۷۰۰، همه بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ آوردند، آن هم با اغماض. من فکر می‌کنم باید برگردیم به اصول بین‌المللی تعاون. آخرین کلام هم این که همزمان با تغییرات و تحولاتی که تعاونی‌ها در دنیا داشتند ما این همراهی را نکردیم. تعاونی‌های نسل جدید مطرح شده که ما متأسفانه اصلاً اطلاعی نداریم و از آن‌ها هم فاصله گرفته‌ایم.

– **همکاران از استان اصفهان:** سیستم‌های نظارت بر تعاونی‌ها در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته چگونه است که توانسته‌اند اعتماد مردم را برای سرمایه‌گذاری در تعاونی‌ها جلب کنند؟ چون الان وضعیتی

شده است در کشور ما که مردم اغلب اعتماد برای سرمایه‌گذاری ندارند. به خاطر نظارت ضعیفی که تا به حال در تعاونی‌هایی مثل تعاونی‌های مسکن و تعاونی‌های مشابه بوده است و مردم سرمایه‌هایشان را از دست داده‌اند. در کشورهای پیشرفته از چه ابزاری استفاده می‌کنند که توانسته‌اند این نظارت را داشته باشند؟

– **جناب آقای دکتر آماده:** یک نکته خیلی مهم قبل از این که بخواهیم بحث نظارت را مطرح کنیم، این است که اول باید ساختار را درست تنظیم کنیم. یکی از مسائل خیلی مهم این است که اقتصاد ما رانت ساز است؛ ساختار تعاونی مان اشتباه است؛ فعالیت، فعالیت درست نیست؛ تعاونی جای درست قرار نمی‌گیرد، بعد فساد و رانت ایجاد می‌شود. تعاونی مرزنشین محصولی را می‌خرد و اگر قیمتش بالا رفت و سود داشت، آن را به حساب شخصی خودش و اعضای هیأت مدیره می‌گذارد. اگر قیمت کاهش پیدا کرد، می‌رود سراغ اعضا که بیایید جنس‌تان را ببرید. این ساختار اشتباه است. اعضا مشارکت نمی‌کنند، اعضا نظارت نمی‌کنند، مشکلات اقتصادی ایجاد می‌شود. وقتی مشکلات اقتصادی ایجاد شد تعاونی دیگر آن بحث اجتماعی‌اش را هم نمی‌تواند انجام بدهد، آموزش هم نمی‌تواند اجرا بکند. بنابراین به نظر من و طبق تجربه‌ای که در هندوستان وجود دارد، مهم‌ترین رکن نظارت، خود اعضا هستند. خود اعضا هستند که تمام فعالیت‌ها و تمام فرایندها را زیر نظر می‌گیرند،

تسلط دارند روی عملکرد تعاون و منافع تعاون که اگر درست کار بکنند به آن‌ها می‌رسد. نه تنها کشورهای درحال توسعه، همه کشورهای که تعاونی در آن‌ها رشد پیدا کرده است اگر دقت بفرمایید مهم‌ترین رکن نظارت، خود اعضا هستند.

– **جناب آقای دکتر یزدانی:** یک زمانی برای مجمع تشخیص مصلحت می‌خواستیم اطلاعات جمع کنیم. تعاونی موندراگون نظرمان را جلب کرد و یک مکاتبه کردیم با آن‌ها که شما بزرگ هستید؟ کوچک هستید؟ چگونه است؟ یک سری اطلاعات را فرستادند، ما قانع نشدیم. گفتیم حساب و کتاب هایتان را می‌توانید برای ما بفرستید؟ فردای آن روز فرستادند. یعنی حساب‌های سال مالی گذشته را. پرسیدیم چگونه است؟ گفتند این‌جا دولت الزام کرده است که ما حتما باید حسابرسی داخلی بکنیم؛ دولت هم حسابرسی می‌کند و باید حتما اطلاعات مالی مان نه تنها برای اعضا بلکه برای همه مردم شفاف منتشر شود. حساب و کتاب‌های مالی‌شان هم فقط چند تا عدد و رقم نیست، همراه با تحلیل است. یعنی مشخص است که اگر فلان کار را کرده است چرا. یعنی مسائل تدبیری‌شان را هم به صورت شفاف منتشر می‌کنند. ما در ایران این‌ها را نداریم. من نگاه کردم دیدم فدراسیون ژاپن و کره هر دو فدراسیون تعاونی‌شان را حسابرسی می‌کنند؛ فدراسیون نه دولت. ما

این جا نه حسابرسی بیرونی داریم، نه حسابرسی داخلی و نه الزام به ارائه شفاف حساب و کتاب‌ها و عملکردها.

- **یکی از حضار:** اگر این صدای ما را ضبط بکنند و یکجایی پخش بکنند و کسی نداند جایگاه ما چیست، حتماً فکر می‌کند که ما یک تشکل مردمی هستیم و هیچ نقشی هم در حاکمیت نداریم. در حالی که این جا وزارت تعاون است و ما حاکم هستیم، سیاست‌گذار هستیم. من نمی‌دانم چرا این گونه صحبت می‌کنیم. جناب آقای یزدانی که سال‌ها است در حوزه تعاون، جزو مدیران ارشد نظام هستند؛ دوستان دیگری که این جا هستند؛ آقای ناطقی، آقای دکتر حیدری. نمی‌دانم ما باید از چه کسی انتقاد کنیم؟ متوجه نمی‌شوم این جا یک تشکل مردمی است و یا ما دولت هستیم؟ فقط خواستم این را بگویم که متوجه باشیم نگاه‌هایمان به کجا معطوف است.

- **جناب آقای دکتر خانی:** بحث نظریه که مطرح می‌شود نوعی خود انتقادی، نوعی واشکافی اتفاقات را خود ما باید انجام دهیم، اعم از وزارتخانه، اتاق تعاون، اتحادیه‌ها و همه کنش‌گرانی که درگیر بحث تعاون هستند. ما انشا... این وعده را به شما عزیزان می‌دهیم که به زودی نوبت بعدی این سمینار نظریه تعاون در نظام جمهوری اسلامی ایران را برگزار خواهیم کرد. امروز اتفاق‌های بسیار خوبی در این سمینار افتاد. اتفاق اندیشگی؛ این که ما بیاندیشیم که چه حفره‌هایی، چه

خلاهایی، چه سکوت‌هایی، چه زیاده‌گویی‌هایی و چه کمبودهایی در بخش تعاون و در نظام تعاون ایران وجود دارد که به آن‌ها کمتر پرداخته شده است. حتماً ما در حوزه نظریه‌پردازی نیازمند این هستیم که بیشتر از این‌ها باهم بیاندیشیم، دانشگاه‌ها را مداخله بدهیم؛ مردم را مداخله بدهیم.

– **جناب آقای دکتر یزدانی:** ما در وزارتخانه هر تصمیمی می‌گیریم جزئی از تصمیم سیاست‌های کلی است. یعنی در مجموعه سیاست‌گذاری‌هایی که دولت می‌کند، مقدار اندکی سهم داریم. آن جایی که در واقع برنامه‌ریزی را هدایت می‌کند، سازمان برنامه و بودجه است. یعنی با تخصیص اعتبارات و تصمیم‌گیری‌ها و بانک مرکزی با تخصیص تسهیلات بانکی. کشور ما به جز اعتبارات دولتی و به جز تسهیلات بانکی، برای پوشش حمایتی تعاونی‌ها ابزار دیگری که ندارد. این دو تا هم که دست ما نیست. ما فقط می‌توانیم حرف بزنیم، حدس بزنیم، دفاع بکنیم، استدلال بکنیم، زور بزنیم، با رهبری مکاتبه بکنیم، در جلسات حضور پیدا بکنیم، اثرگذاری داشته باشیم که داشته‌ایم. یعنی بیرون آمدن مجموعه سیاست‌های کلی، حاصل تلاش وزارتخانه است، غیر از این نیست. مجموعه قوانین حمایتی که وضع شده است تهیه‌اش حاصل تلاش‌های وزارتخانه است. این‌ها که قابل انکار نیست. منتها همان‌گونه که گفتمدر مجمع تشخیص مصلحت از ۳۵ نفر بزرگوارانی که نشسته‌اند

و همه مسئولین نظام هستند، چه مسئولین پنهان و چه مسئولین آشکار، فقط ۲ نفر مدافع نظریه تعاون هستند. چطور می‌خواهید تعاون در سیاست‌گذاری عمومی کشور موثر باشد و بتواند حرفش را بزند؟ امکان‌پذیر نیست. فقط یادتان باشد که تعاون در هر نظامی، کارکرد خودش را دارد. در نظام سرمایه‌داری از شورش‌ها جلوگیری می‌کند، از کمونیست شدن مردم جلوگیری می‌کند. در نظام سوسیالیستی نقشش این بوده است که سرمایه‌های عمومی را خصوصی کند. در نظام اسلامی ما صرف نظر از نظریه شهید بهشتی و اول انقلاب، الان گم است. یعنی الان این که تعاون چه کارکردی در نظام باید داشته باشد، صرف نظر از سیاست‌های کلی که رهبری تعیین کرده‌اند- آن‌جا واضح است- در سیاست‌گذاری عمومی دولت‌ها گم است. هر دولتی هم که بوده فرقی نمی‌کرده. یعنی ما یک مشکلی داشتیم که سیاست کلی معلوم نبود، اما الان سیاست کلی معلوم است. حالا ما دولت هستیم و تا حد خودمان، یک اپسیلون، ۵ درصد، به مجموعه دولت فشار بیاوریم که دولت سیاست‌های کلی ما را به سمت اجرا ببرد. این‌ها کافی نیست. بدنه تعاونی‌ها باید حرکت بکند؛ مطالبه بکند. این مطالبه اجتماعی وجود ندارد. چرا؟ چون متأسفانه تعاون در راس بدنه، سیاسی شده است. سیاسی شدن، آفت توسعه تعاون است که در کشور ما اتفاق افتاده است.



– **جناب آقای دکتر رزاقی:** من فکر می‌کنم این مسأله ربطی به خارجی‌ها ندارد. ما در گذشته هم تعاونی داشتیم. چه کار کردیم؟ بنظرم سرمایه‌داری لیبرال نفتی وارداتی رانتهی در کشور ایجاد شده و روز به روز هم قدرت می‌گیرند. حتی بقای ایران بنظر من در خطر است. مطالبه کنید، مطالبه موثر است. شما ۱۵ نوع تعاونی دارید، اما هیچ نقشی در مسأله سیاسی ندارند. شما باید بخواهید تغییر ایجاد شود. چرا؟ چون رهبری می‌گوید آتش به اختیار. یعنی فرمانده، رییس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس، عموماً دارند این خط را دنبال می‌کنند. برخی مسئولین را نگاه کنید دائم دارند مطالبی را می‌گویند که هیچ ربطی به مطالبه مردم، فقرشان، بیکاری‌شان ندارد. ما قدرت داریم، ولی به شرطی که مردم را متشکل کنیم.

